

حق بر بایکوت رژیم صهیونیستی؛ از روایی نظری تا چالش‌های رویه‌ای در آمریکا و اتحادیه اروپا

سیدمحسن قائمی خرق • استادیار، گروه حقوق بشر و حقوق محیط زیست، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

sm_ghaemi@sbu.ac.ir

ایران. (نویسنده مسئول)

محمد قربانی راد • دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق

mghorbani@isu.ac.ir

علیه‌السلام، تهران، ایران.

چکیده

حق بایکوت، به معنای تحریم و قطع روابط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی با یک کشور یا نهاد خاص، با کشیدن خط بطلان بر این تفکر ایدئولوژیک است که قلمرو خصوصی از جمله انتخاب مصرف‌کنندگان و آزادی قراردادی، فضایی عاری از قدرت است. این حق از طریق بازسیاسی نمودن روابط غیرسیاسی و همراه نمودن اراده‌های جمعی، به خودسامانی و دموکراسی دامن می‌زند. از دهه‌های پیشین، این حق، به‌منظور ایجاد نوعی الزام در راستای اصلاح سیاست برخی کشورها در حمایت از رژیم صهیونیستی به‌کار گرفته شده، ولی از سوی نظام پارلمانی و قضایی برخی کشورها، تردیدهایی در روایی این حق نسبت به رژیم صهیونیستی اعمال شده است. از این‌رو، مساله اصلی این نوشتار، واکاوی امکان شناسایی «بایکوت» به‌مثابه یک حق در منظومه حقوق بشر و پس از آن، تحلیل چالش‌های رویه‌ای این حق در آمریکا و اتحادیه اروپا خواهد بود. اهمیت بررسی این مساله از آن رو است که شناسایی و نقد مواضع اتخاذی علیه این حق در اروپا و آمریکا، می‌تواند در راستای حمایت از مردم فلسطین، توقف تجاوزات رژیم صهیونیستی و ایجاد اجماع جهانی برای مقابله با این تجاوزات موثر باشد. این جستار که با روش توصیفی تحلیلی سامان گرفته، به نتایج متعددی دست یافته است؛ از جمله آن که حق بر بایکوت، بر نظریات مختلفی از رفاه اقتصاد خرد، دکتین مسئولیت حمایت از حقوق بشر، بازار ایده‌ها و خودگردانی استوار گردیده، و ماهیتی از قبیل «آزادی بیان»، «آزادی تشکل»، «حق درخواست از دولت» و «حق خودآیینی» در آن وجود دارد؛ اما از حیث رویه‌ای، با وجود حمایت تقنینی اتحادیه اروپا و نظام قضایی آمریکا، در سطح کشورهای عضو اتحادیه و نیز برخی رسیدگی‌های قضایی در آمریکا، چالش‌هایی حقوقی نسبت به



پژوهش نامتعلق اسلامی

حق بایکوت رژیم صهیونیستی قابل احصاء است. از جمله، تخصیص انحصاری حق بایکوت به مصرف‌کنندگان و رفتارهای مسالمت‌آمیز، یا سلب ماهیت «گفتار محض» از بایکوت به منظور اخراج آن از دایره حمایت‌های متمم اول قانون اساسی ایالات متحده، استناد افراطی به اصل حاکمیت دولت‌ها و امنیت ملی، و احتساب حق بایکوت به عنوان «تحریک به نفرت» در نظام قضایی فرانسه.

واژگان کلیدی: حق بر بایکوت، آزادی بیان، آزادی تشکل، حقوق بشر.

مقدمه

بایکوت که مشتمل بر خودداری از همکاری اقتصادی، فرهنگی، ورزشی یا حتی آکادمیک با یک دولت، سازمان یا نهاد است، به عنوان روشی برای اعتراض مسالمت آمیز به نابرابری‌ها، نقض حقوق بشر و سیاست‌های استبدادی مورد استفاده قرار گرفته است (Sharp, 1973, p.19). در واقع، مصرف‌کنندگان حق دارند، ذیل اصل آزادی اراده، آزادانه از میان کالاها و خدمات مختلف، کالای مورد نیاز خود را انتخاب کرده و در این زمینه تحت فشار و اجبار قرار نگیرند. این حق، می‌تواند شکل‌دهنده تقاضای کل در بازار کالا و خدمات و ارائه این کالا و خدمات مبتنی بر ارزش‌ها و حقوق بشر بوده و حمایت از آن موجب رقابت مفید و حق‌بنیاد در میان عرضه‌کنندگان کالا و خدمات جهت ارائه محصولات همسو با ارزشهای انسانی بشود. در این میان، حق بر بایکوت، نظیر آنچه در رخدادهای تاریخی، مطرح بوده، امروزه به عنوان حقی برای حمایت از فلسطین و لبنان در برابر رژیم صهیونیستی غاصب بیان می‌شود و اهمیت و ضرورت این نوشتار نیز حول تبیین همین حق فهم می‌شود. به عنوان مثال، مقام معظم رهبری در عبارات گوناگون چنین فرموده‌اند: «امروز قدم اول و اولین کار در اتحاد دنیای اسلام بر ضدّ این باند جنایتکار و باند تروری که بر فلسطین حکومت می‌کنند و قصف کردند سرزمین فلسطین را، این است که کشورهای اسلامی ارتباطات اقتصادی‌شان را بکلی با این باند جنایتکار قطع کنند» (۱۴۰۳/۶/۳۱) یا در جای دیگری می‌فرمایند: «بایستی جریان و شریان حیاتی رژیم صهیونیستی را قطع کنند، بایستی نگذارند که نفت و انرژی و کالا و امثال اینها وارد رژیم صهیونیستی بشود» (۱۴۰۲/۸/۲۸). از جمله اهداف این نوشتار نیز آن است که در پرتو مساله طرح شده، بتوان به چالش‌های مشروعیت و کارآمدی بایکوت اسرائیل در بستر نظام حقوقی آمریکا و اروپا دست یافت و موضع این کشورها به این حق را از منظر یک ابزار سیاسی یا جنگ حقوقی مورد تحلیل قرار داد و براساس آن بتوان دخالت عنصر «حاکمیت ملی» در حمایت یا تحدید یا منع حق بایکوت را تعارض با تعامل حق بایکوت با دیگر مولفه‌های اساسی از منظر حقوق بین‌الملل و حقوق عمومی را به تحلیل وانهاد.

مبتنی بر همین ضرورت عملی و اهداف، می‌توان مساله اصلی این نوشتار را تحلیل حق بر بایکوت و چگونگی انعکاس آن در نظام حقوقی اتحادیه اروپا و آمریکا صورت‌بندی کرد. سوال اصلی این نوشتار آن است که رویکرد نظام حقوقی آمریکا و اروپا به حق بر بایکوت خصوصا نسبت به اسرائیل به چه نحوی بوده است که ذیل آن می‌توان سوال‌های فرعی زیر را قرار داد. از حیث نظری و نیز اسناد بین‌المللی، آیا می‌توان بایکوت را به مثابه یک حق مورد شناسایی قرار داد؟ و پس از آن، در سطح قوانین و رویه قضایی، این دو نظام حقوقی با چه چالش‌هایی مواجه بوده‌اند؟ فرضیات این نوشتار نیز بر رویکرد سیاسی-انگاری حق بایکوت و یا اقتصادی‌انگاری این حق که در نهایت منتج به دخالت گسترده دولت خواهد شد، استوار است. نسبت به فرضیات فرعی نیز، به نظر می‌رسد، بتوان به روایی نظری حق بر بایکوت و چالش‌های عملی این حق با توجه به رویکرد سیاسی به چنین حقی، قائل شد.

سازه این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی صورت گرفته، بدین صورت است که در قسمت نخست، با تحلیل مفهوم حقوقی بایکوت، در قسمت دوم نوشتار به بررسی امکان و میزان روایی حق بر بایکوت از منظر دکترین حقوق و اسناد بین‌المللی پرداخته و پس از آن با بررسی قوانین و پرونده‌های حقوقی و تجربه‌های تاریخی آمریکا و اتحادیه اروپا، به تحلیل چالش‌های رویه تقنینی و قضایی این دو نظام حقوقی نسبت به بایکوت به‌عنوان یک ابزار مشروع و قانونی برای اعتراض به نقض حقوق بشر در رژیم صهیونیستی پرداخته خواهد شد.

۱. تحلیل مفهوم حقوقی بایکوت «به مثابه یک حق»

بایکوت به‌عنوان یک ابزار اعتراض مسالمت‌آمیز و فشار غیرمستقیم بر کشورها یا نهادها به کار گرفته می‌شود که در موارد مختلف اقتصادی، فرهنگی، ورزشی، آکادمیک و... اعمال می‌شود، خاصیت گفتگویی داشته و مستلزم مجموعه‌ای طویل از اراده‌های جمعی است (Sharp, 1973, p. 22). در تعاریف دیگر، بایکوت، «طوماری به دولت برای جبران نارضایتی‌ها» یا نوعی ابتکار عمل شهروندان در قالب

«فراندم» دانسته شده که این قبیل نتایج دموکراسی مستقیم بسیار سرسخت‌تر از مصوبات قانونی صرف است و این موارد نشان می‌دهد که توان درک «مردم به‌عنوان دولت» وجود دارد (Dubois & Feeney, 1992, p. 8). مایکل هارپر نیز با تشبیه بایکوت به رأی‌گیری انتخاباتی، اثر آن را در واداشتن مقامات به تجدیدنظر یا رد باورهای نادرست می‌داند (Harper, 1984, pp. 417–420). برخی اندیشمندان مسلمان نیز بایکوت را بخشی از جهاد فی سبیل‌الله از طریق بستر مالکیت می‌دانند؛ به این دلیل که الزام به بایکوت براساس قانون جهاد است و شکل جدیدی از جهاد را در پی دارد (Yunus, 2014, pp. 135-160). M. A & others, 2014, در نگاهی دیگر، بایکوت نوعی «مجازات» است که توسط یک یا چند کشور برای جلوگیری یا مجازات کشوری که مرتکب عمل خشونت‌آمیز می‌شود، اتخاذ شده است (New Standard Encyclopedia, 2000).

در راستای تبیین مصداقی مفهوم «بایکوت» می‌توان به برخی نمونه‌های تاریخی صورت‌یافته در این خصوص -چه نسبت به معضل رژیم صهیونیستی و چه غیر آن- اشاره کرد. یکی از اولین و معروف‌ترین نمونه‌های تاریخی موفق بایکوت، بایکوت علیه «چارلز» (دهه ۱۸۸۰م) (یک مدیر کشاورزی بریتانیایی در کلیر ایرلند) به دلیل افزایش اجاره‌های زمین‌های کشاورزان در شرایط بد اقتصادی و بی‌عدالتی‌های اجتماعی بود (Kenny, 2004, p.118). از نمونه‌های دیگر، جنبش استقلال هند و بایکوت کالاهای بریتانیایی (دهه ۱۹۲۰) نیز در راستای تضعیف سلطه استعماری بریتانیا بر هند و ایجاد حس ملی‌گرایی و استقلال در میان هندی‌ها است (Brown, 1989, p.37 ; Bayly, 1988, p.98). بایکوت اتوبوس‌های مونته‌نگری (۱۹۵۵-۱۹۵۶) در راستای اعتراض به سیاست تبعیض نژادی در نظام حمل و نقل عمومی آمریکا است که در نهایت دادگاه عالی ایالات متحده حکم به نقض قوانین تفکیک نژادی (جداسازی محل نشستن سپاه‌پوستان از سفیدپوستان در وسایل حمل و نقل) داد (Branch, 1988; King, 1958). بایکوت علیه رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی (دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰) نیز از دیگر نمونه‌های حق بر بایکوت است که در سطوح مختلف اقتصادی (محدودیت‌های صادرات کالاهای آفریقای

جنوبی، تحریم‌های نفتی و قطع روابط تجاری) (Levy, 1999, p.65)، ورزشی (محرومیت آفریقایی جنوبی از شرکت در بازی‌های المپیک براساس تصمیم کمیته بین‌المللی المپیک و فیفا) (Booth, 1998, p.23) و فرهنگی (در قالب خودداری هنرمندان و چهره‌های برجسته فرهنگی جهان از انجام تورهای هنری و اجرای برنامه‌های هنری در آفریقایی جنوبی) (Mandela, 1994, p.11) صورت گرفته است.

اما نسبت به مصادیق بایکوت علیه رژیم صهیونیستی، در سال ۱۹۷۳، در پی جنگ اکتبر و پیروزی اولیه کشورهای عربی علیه رژیم صهیونیستی و شدت یافتن بحران نفتی در جهان، کشورهای عربی عضو اوپک، به رهبری عربستان سعودی تصمیم گرفتند برای فشار به کشورهای حامی رژیم صهیونیستی در جنگ، از سلاح نفت استفاده کنند (Yergin, 2011, p. 78). در پی این اقدام، کشورهای مصرف‌کننده نفت، به ویژه در اروپا و ایالات متحده، با افزایش قیمت‌ها و کاهش عرضه و بالتبع افزایش تورم، کاهش رشد اقتصادی و بیکاری مواجه شدند. قیمت نفت در این دوره بیش از چهار برابر شد و از حدود ۳ دلار به ۱۲ دلار در هر بشکه رسید. در حال حاضر، تهدیدات مشابهی در خصوص استفاده از انرژی علیه رژیم صهیونیستی مطرح است. در واقع، تهدیدات مربوط به قطع صادرات انرژی، به ویژه گاز طبیعی، به رژیم صهیونیستی، تهدید جدی برای اقتصاد آن به شمار می‌آید (Freedman, 2010).

همچنین، یکی از مهم‌ترین جنبش‌های بایکوت در تاریخ معاصر، جنبش بایکوت، سلب سرمایه و تحریم (BDS: Boycott, Divestment, Sanctions) علیه رژیم صهیونیستی است. این جنبش به عنوان گروهی آزاد از اعضای دارای تابعیت‌های مختلف در سال ۲۰۰۵ با هدف پایان دادن به اشغال سرزمین‌های فلسطینی، رعایت حقوق بشر و اجرای حق بازگشت آوارگان فلسطینی بر اساس قطعنامه ۱۹۴ سازمان ملل، شکل گرفت که در سطوح مختلف، از جمله تحریم کالاها، جلوگیری از سرمایه‌گذاری و قطع روابط فرهنگی، فعالیت می‌کند^۱ (Barghouti, 2011, p. 98). تاکنون هیچ دولت خارجی به مشارکت در این جنبش اعتراف نکرده است (McMahon, 2014, p. 21) و براساس فراخوان ژوئیه

¹ See: What is BDS?, BDS MOVEMENT, <https://bdsmovement.net/what-is-bds>

۲۰۰۵ این جنبش^۱، هدف، دریافت حمایت بین‌المللی برای اقدامات تنبیهی غیرخسونت‌آمیز علیه رژیم صهیونیستی است؛ مگر تا زمانی که این رژیم، سیاست‌های خود را تغییر دهد: «۱. پایان دادن به اشغال و استعمار تمام سرزمین‌های عربی و برچیدن آن دیوار؛ ۲. به رسمیت شناختن حقوق اساسی شهروندان عرب فلسطینی رژیم صهیونیستی در برابری کامل؛ و ۳. احترام، حمایت و ارتقای حقوق پناهندگان فلسطینی برای بازگشت به خانه‌ها و املاک خود» که در قطعنامه ۱۹۴۵ مجمع عمومی سازمان ملل بدان تصریح شده است. در مقابل، بسیاری از کشورها، از جمله ایالات متحده، قوانینی را به تصویب رسانده‌اند که هدف آنها محدود کردن یا حتی ممنوع کردن بایکوت‌های سیاسی است (Sfard, 2018, p.78).

بنابراین، در مجموع می‌توان مفهوم حق بایکوت را چنین دانست: حق مصرف‌کنندگان بر یک ابزار مدنی و اعتراضی غیرخسونت‌آمیز، در قالب خودداری داوطلبانه و جمعی از خرید یا استفاده از کالاها و خدمات خاص با هدف اعمال فشار اقتصادی بر دولت‌ها، شرکت‌ها یا سازمان‌ها برای تغییر سیاست‌ها یا رفتارهای نامطلوب. این راهبرد مدنی می‌تواند به صورت محلی یا جهانی انجام شود و هدف نهایی آن تغییر رفتار هدف از طریق کاهش درآمد یا اعتبار است و اغلب به دلایل سیاسی، اخلاقی، زیست‌محیطی یا اجتماعی صورت می‌گیرد. همچنانکه می‌تواند طیفی از اشکال متنوع از تحریم کالاهای خاص تا خودداری از مشارکت در سیستم‌های اقتصادی ناعادلانه را دربرگیرد.

۲. روایی نظری «حق بر بایکوت»

با وجود پشتیبانی نظریات اقتصادی مانند نظریه رفاه اقتصاد خرد از بایکوت-که براساس آن، قضاوت مصرف‌کنندگان در مورد یک محصول که از پذیرش یا رد آن محصول توسط دیگران ناشی می‌شود، ارزش اقتصادی مشابه ترجیحات مستقل دارد (Libenstein, 1950, p. 57) -بایکوت، ذیل ایده «بازار ایده‌ها» قابل تحلیل است؛ زیرا موفقیت بایکوت بیش از سایر اشکال رفتار سیاسی، به متقاعد کردن دیگران، بستگی دارد. در پرونده *Abrams v. United States*^۲ قاضی هلمز اظهار داشت که:

1. See: <http://www.bdsmovement.net/call>.

2. 250 U.S. 616 (1919).

«حقیقت را تنها می‌توان با «تجارت آزاد در ایده‌ها» آزمود که بهترین آزمون حقیقت، قدرت اندیشه برای پذیرفته شدنش در رقابت بازار است»^۱. دادگاه مکرراً تأکید کرده است که «هدف متمم اول، حفظ بازاری مهارنشده از ایده‌هاست که در نهایت حقیقت در آن غالب خواهد شد»^۲ و در این میان، بایکوت بهتر از دیگر اشکال سنتی رفتار سیاسی، درون این بازار جای می‌گیرد؛ چراکه اگر در همراه نمودن دیگران، شکست بخورد، پیام دیگر منتقل نشده و در عوض پیام دیگری حمایت خواهد شد. با این حال، از جمله نگرانی‌هایی مربوط به حق بایکوت، برهم‌زدن برابری سیاسی است؛ چه آنکه، گروه‌های فشار و نخبگان ثروتمند می‌توانند قدرت بیشتری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی اعمال نمایند (Hussain, 2012, pp. 117-118)؛ اما مکرراً رویه قضایی تصریح داشته: «فقط به دلیل اینکه صدایی توسط صداها بلندتر خاموش می‌شود، دولت توانایی خاموش کردن آن صدا را نخواهد داشت و راه مبارزه با آن نیز، هرگز تعدیل صدای بلندتر نیست و می‌توان با صدای بلندتری با آن مبارزه کرد»^۳.

از سویی بایکوت با خودسامانی نیز در ارتباط است؛ اطلاعات مفیدی برای تصمیم‌گیری دموکراتیک ارائه داده و به مردم اجازه می‌دهد دولت را از آن خود بدانند؛ چه آنکه، «دموکراسی مستلزم آن است که شهروندان دولت، خود را به عنوان نمونه‌ای از خودمختاری اصیل تجربه کنند» (Post, 2000, p. 39). به عبارت دیگر، در یک دموکراسی، آزادی ایده‌آل چیزی بیش از آزادی تنها ماندن است؛ بلکه دموکراسی، «آزادی عمومی» را به نحوی که توانایی مشارکت فعال در تصمیم‌گیری‌های اساسی اجتماعی که بر زندگی فرد تأثیر می‌گذارد، اقتضا می‌کند (Frug, 1980, p. 1068). همچنانکه، بایکوت، گفتگو در

1. Abrams, 250 U.S. at 630

2. See: Red Lion Broad. Co. v. FCC, 395 U.S. 367, 390 (1969); see also Turner Broad. Sys., Inc. v. FCC, 507 U.S. 1301, 1304 (1993) (quoting Red Lion Broad. Co., 395 U.S. at 390); Hustler Mag., Inc. v. Falwell, 485 U.S. 46, 52, 56 (1988)

3. Buckley v. Valeo, 424 U.S. 1, 48-49 (1976).

4. See, e.g., Thornhill v. Alabama, 310 U.S. 88, 105 (1940); Declaration of Sarah E. Troupis in Support of Plaintiffs' Motion for Preliminary Injunction at Ex. BC, Protectmarriage.com v. Bowen, 830 F. Supp. 2d 914 (E.D. Cal. 2011) (No. 2:09-CV-00058), ECF No. 19.

حوزه عمومی را متوقف نمی‌سازد^۱ و اگر سایرین با بایکوت کنندگان مخالف باشند، می‌توانند به نوعی بایکوت کننده را بایکوت کرده و در نتیجه کارآیی بایکوت را تحت تأثیر قرار دهند.

از دیگر مبانی حمایت از حق بایکوت، «دفاع از وجدان و تمامیت اخلاقی مصرف‌کنندگان» و به عبارتی، فراهم کردن زمینه ابراز اختیار اخلاقی شهروندان است. همچنانکه می‌توان این حق را واکنشی در برابر نقض تعهدات قراردادی یا ابتدایی یا مستند به اصل آزادی قراردادهای و اراده یا زمینه‌سازی برای اجرای دکترین مسئولیت حمایت از حقوق بشر دانست.

همچنین، حق بایکوت، به عنوان حق تعیین سرنوشت برپایه حریم خصوصی یا خودمختاری است و هرگونه تحدید چنین تصمیماتی به طور قابل توجهی از «توانایی مصرف‌کننده برای تعریف خود و دیگرانی که از انگیزه او آگاه هستند» و در نتیجه آزادی او می‌کاهد؛ نظیر آنکه از رانندگان بخواهند شعار ایدئولوژیک یک ایالت را در پلاک خودروهای‌شان نشان دهند^۲. با این حال، به نظر برخی، خودآیینی^۳ نمی‌تواند مبنای مناسبی برای توجیه حق شرکت در امتناع هماهنگ فراهم نماید؛ چه آنکه، دولت از نظر حقوقی می‌تواند از پیامدهای اقتصادی تصادفی «تعریف آزاد از خود» جلوگیری کند و در واقع او، اختیار تنظیم برخی از رفتارهایی که ممکن است باعث افزایش خود تعیینی شود را داراست (Harper, 1984, p.416)^۴.

به هر روی، برای واکاوی مشروعیت این حق در چارچوب حقوق بین‌الملل بشر، می‌توان از مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی برداشت کرد که حق بایکوت بخشی از آزادی بیان و حق اعتراض مسالمت‌آمیز است. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به افراد اجازه می‌دهد که افکار، عقاید و اطلاعات خود را بدون هیچ مانعی از

^۱ See Brown v. Hartlage, 456 U.S. 45, 61 (1982) (quoting Whitney v. California, 274 U.S. 357, 374 (1927) (Brandeis, J., concurring), overruled on other grounds by Brandenburg v. Ohio, 394 U.S. 444 (1969).

^۲ consumer's capability to define himself

^۳ See Wooley v. Maynard, 430 U.S. 705 (1977).

^۴ a Right of Autonomy

^۵ Available at: https://scholarship.law.bu.edu/faculty_scholarship/1623, p. 416.

طریق رسانه‌ها و دیگر ابزارهای ارتباطی منتشر کنند. از این رو، بایکوت به‌عنوان یکی از ابزارهای اعتراض مدنی، نه تنها شامل مخالفت عمومی و اجتماعی می‌شود؛ بلکه نوعی استفاده از حق آزادی بیان برای نشان دادن عدم رضایت به شرایط خاص، مانند اشغال سرزمین‌ها یا تبعیض نژادی، محسوب می‌شود. علاوه بر این، ماده ۲۱ میثاق، حق تجمع مسالمت‌آمیز را به رسمیت می‌شناسد. این ماده به افراد اجازه می‌دهد که بدون ترس از سرکوب و محدودیت، به‌طور مسالمت‌آمیز برای ابراز عقاید و خواسته‌های خود تجمع کنند. بایکوت، به‌عنوان یکی از اشکال تجمع مسالمت‌آمیز و همبستگی عمومی علیه نقض حقوق بشر، مستقیماً تحت پوشش این ماده قرار می‌گیرد.

حق بایکوت همچنین در اسناد و قطعنامه‌های بین‌المللی دیگر به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به رسمیت شناخته شده است. برای مثال، قطعنامه‌های ۳۰۳۴ و ۳۲۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل به‌طور خاص به حمایت از بایکوت به عنوان مبارزه مشروع و مسالمت‌آمیز علیه استعمار و برای دستیابی به خودمختاری و دفاع از حقوق بشر اشاره دارد.^۱ همچنین، قطعنامه ۱۷۶۱ مجمع عمومی سازمان ملل (۱۹۶۲)، از اعمال بایکوت‌های اقتصادی و ورزشی علیه آفریقای جنوبی به‌عنوان بخشی از تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با رژیم آپارتاید حمایت کرد یا در قطعنامه ۲۸۲۱ مجمع عمومی سازمان ملل سال ۱۹۷۱، مجمع عمومی از کشورهای عضو خواسته به‌منظور افزایش فشار بر رژیم آپارتاید، به‌ویژه در زمینه تجارت و سرمایه‌گذاری، از تحریم‌ها و بایکوت‌های اقتصادی استفاده کنند. این قطعنامه همچنین تأکید کرد که بایکوت می‌تواند ابزاری برای «دفاع از حقوق بشر و عدالت اجتماعی» باشد.^۲ سازمان دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل نیز بایکوت‌های اقتصادی و فرهنگی علیه رژیم صهیونیستی را برای پایان دادن به

^۱ United Nations General Assembly, 1973; United Nations General Assembly, 1974

^۲ همچنین سازمان ملل در کنفرانس‌های متعدد جهانی مانند کنفرانس‌هایی در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ بر لزوم اعمال تحریم‌ها و بایکوت‌های جهانی علیه رژیم آپارتاید تأکید کرد.

اشغال و احترام به حقوق فلسطینیان، حمایت کرده‌اند.^۱ در مارس ۲۰۱۶ نیز شورای حقوق بشر سازمان ملل، قطعنامه‌ای را تصویب نمود که در آن از دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر درخواست شده بود تا پایگاه داده‌ای از تمام شرکت‌های تجاری که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، در شهرک‌های کرانه باختری، فعال بوده یا همکاری و انتفاع داشته‌اند، تهیه کند.^۲ در مارس ۲۰۱۷ نیز فیفا، به رژیم صهیونیستی هشدار داد که اگر به باشگاه‌های کرانه باختری اجازه بازی در لیگ ملی خود بدهد، ممکن است با تعلیق از مسابقات بین‌المللی مواجه شود.^۳

قطعنامه ۲۳۳۴ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۳ دسامبر ۲۰۱۶) نیز از همه کشورها می‌خواهد در مناسبات مربوطه (از جمله تجارت)، بین قلمرو رژیم صهیونیستی و سرزمین‌های اشغال شده از سال ۱۹۴۷ تمایز قائل شوند.^۴ حقوق بین‌الملل اقتصادی نیز این حق را به رسمیت می‌شناسد که دولت‌ها به سیاست‌ها و موانع تجاری مانند بایکوت براساس امنیت ملی استناد کنند (Chaisse, 2015, p. 599) و اساساً عبارت «منافع امنیتی اساسی»^۵ یکی از عناصر اصلی حقوق تجارت بین‌الملل از زمان پیدایش

¹ Amnesty International. (2019). Zionist Regime and occupied Palestinian territories: 2019 report. <https://www.amnesty.org/en/countries/middle-east-and-north-africa/israel-and-occupied-palestinian-territories/report-israel-and-occupied-palestinian-territories/>

Human Rights Watch. (2021). A threshold crossed: Israeli authorities and the crimes of apartheid and persecution. <https://www.hrw.org/report/2021/04/27/threshold-crossed/israeli-authorities-and-crimes-apartheid-and-persecution>

² See U.N. Human Rights Council resolution 31/36 (A/HRC/31/L.39), March 22, 2016, paragraph 17; and paragraphs 96 and 117 of Human Rights Council Document, A/HRC/22/63, February 7, 2013.

³ "Zionist Regime fumes over world soccer official's ultimatum," Agence France Presse, March 24, 2017

⁴ December 23, 2016, the U.N. Security Council adopted Resolution 2334 (or UNSCR 2334)

البته در خصوص این مساله که آیا این قطعنامه با تمایز نهاد میان رژیم صهیونیستی و شهرک‌ها، پشتوانه حقوقی-سیاسی خوبی برای بایکوت فراهم کرده یا نه، اظهارات تعجب‌آمیز و ناهمسو از سوی مقامات رژیم صهیونیستی صورت گرفته است:

Jumana al Tamimi, "Boycott move buoyed by UN resolution," Gulf News, December 26, 2016; Alan Baker, "The Dangers of UN Security Council Resolution 2334 (2016)," Jerusalem Center for Public Affairs, December 26, 2016.

⁵ Essential security interest

گات بوده است. البته سازمان تجارت جهانی هیچ تعریف روشنی در شفاف کردن دامنه این اصطلاح ارائه ننموده و برخی کشورها، معیارهای عینی را در استناد به این استثنا مطرح کرده‌اند که آیا نیاز به بایکوت، حتمی و ضروری است (تا حسن نیت در بایکوت نمودار گردد) و آیا این رفتار متناسب با تهدید امنیت ملی است یا خیر؟ (Panizzon, 2006, p. 33)

فارغ از اسناد بین‌المللی-که بیان آن گذشت- و نیز قوانین آمریکا که استنتاج قواعد حق بر بایکوت از آن، نیازمند تحلیل رویه قضایی، در سطح اتحادیه اروپا-نه کشورهای عضو- نیز می‌توان جواز حق بر بایکوت و روایی نظری آن را یافت.

از جمله آنکه، حق بایکوت براساس منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا^۱ و نیز ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر^۲، حقی محافظت شده است. همچنانکه، در ۱۱ نوامبر ۲۰۱۵، کمیسیون اروپا اطلاعیه-ای صادر کرد که مشتمل بر دستورالعمل‌هایی برای برچسب‌گذاری برخی از محصولات وارد شده به اتحادیه اروپا از مناطقی است که رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۹۶۷ اعراب و رژیم صهیونیستی به تصرف خود درآورده بود؛ چرا که براساس رأی دادگاه اروپایی حقوق بشر: «مصرف کنندگان باید بتوانند انتخاب‌های آگاهانه‌ای داشته باشند و نه تنها به ملاحظات بهداشتی، اقتصادی و زیست محیطی و اجتماعی بلکه به ملاحظات اخلاقی و مربوط به رعایت قوانین بین‌الملل نیز توجه کنند»^۳. با وجود آنکه، اتحادیه اروپا جنبش بایکوت رژیم صهیونیستی را تایید نمی‌کند؛ اما حق شهروندان خود برای بایکوت رژیم صهیونیستی و محصولات رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناسد^۴ و براساس آن سیاست اتحادیه اروپا

^۱ E.U. Charter of Fundamental Rights art. 11-12, Dec. 18, 2000, 2000 O.J. (C 364) 01.

^۲ European Convention on Human Rights (Protocol No. 15) art. 10, CETS 231 (2013).

^۳ Court of Justice of the European Union Press Release No. 140/19. e (Nov. 12, 2019), <https://curia.europa.eu/jcms/upload/-/docs/application/pdf/2019-11/cp190140en.pdf>.

^۴ See Ali Abunimah, EU Recognizes Right to Boycott Israel, ELECTRONIC INTIFADA (Oct. 28, 2016), <https://electronicintifada.net/blogs/ali-abunimah/eu-recognizes-right-boycottisrael>.

مبنی بر غیرقانونی بودن شهرک‌سازی‌ها را اعمال می‌کند.^۱ دبیرکل سازمان آزادی‌بخش فلسطین این اطلاعیه را گامی مهم برای بایکوت کامل شهرک‌های غیرقانونی رژیم صهیونیستی خواند و وزارت امور خارجه رژیم صهیونیستی نیز در بیانیه‌ای نوشت: «ما متأسفیم که اتحادیه اروپا به دلایل سیاسی تصمیم گرفته چنین اقدام استثنایی و تبعیض‌آمیزی را با الهام از جنبش بایکوت انجام دهد^۲». با این وجود، کمتر از یک درصد تجارت سالانه رژیم صهیونیستی با اتحادیه اروپا تحت تاثیر این دستورالعمل‌ها قرار گرفته است.^۳

۳. چالش‌های روبه‌ای حق بر بایکوت در نظام حقوقی آمریکا و اتحادیه اروپا

۳-۱. چالش‌های ناظر بر حق بایکوت در قوانین ایالتی آمریکا

۳-۱-۱. چالش‌های تقنینی ناقض حق بر بایکوت اسرائیل در ایالت‌های مختلف آمریکا: در اواخر دهه ۱۹۷۰ ایالات متحده آمریکا به منظور منصرف کردن شهروندان آمریکایی از همکاری با بایکوت اتحادیه عرب، قانون ضد بایکوت را تصویب کرد که مشتمل بر مجموعه‌ای از مجازات‌های مدنی و کیفری بود.^۴ همچنین، اصلاحیه قانون مالیات (۱۹۷۶) (Ribicoff Amendment)، مالیات دهندگان را ملزم می‌سازد ارتباطات خود با بایکوت‌های غیرمجاز را-که فهرست آن توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا به صورت سالیانه اعلام می‌شود- اعلام کنند. قانون اداره صادرات (۱۹۷۹) نیز مجازات کیفری برای افراد آمریکایی درگیر در «هرگونه بایکوت تشویق یا تحمیل شده توسط یک کشور خارجی علیه کشور دوست ایالات متحده آمریکا» را وضع کرد.^۵ در فوریه ۲۰۱۶ نیز اوپاما قانون تسهیل و اجرای تجارت ۲۰۱۵ را امضا

^۱ See: http://eeas.europa.eu/delegations/israel/documents/news/20151111_interpretative_notice_indication_of_origin_of_goods_en.pdf, and the factsheet at http://eeas.europa.eu/delegations/israel/documents/news/20151111_indication_of_origin_fact_sheet_final_en.pdf

^۲ Text of statement available at <http://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2015/Pages/Israel-condemns-EU-decision-on-labeling-11-Nov-2015.aspx>.

^۳ Nigel Wilson, "Israel: EU labelling rules have 'non-existent impact,'" Al Jazeera, December 12, 2016.

^۴ See CRS Report RL33961, Arab League Boycott of Israel

^۵ the Export Administration Act, P.L. 96-72, § 8(a)(1) (1979)

^۶ the Trade Facilitation and Trade Enforcement Act of 2015 (the Customs Act, P.L. 114-125)

کرد که با اقدامات اقتصادی تنبیهی نظیر اقدامات جنبش BDS علیه مشاغل در رژیم صهیونیستی یا سرزمین‌های تحت کنترل رژیم صهیونیستی مخالفت می‌کند^۱ و کنگره «از تقویت همکاری اقتصادی بین ایالات متحده و رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند و ارزش استراتژیک و تکنولوژیکی فوق‌العاده همکاری با رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناسد^۲». در نهایت نیز رئیس‌جمهور ملزم می‌شود که گزارش سالانه‌ای درباره «بایکوت‌های با انگیزه سیاسی و علیه رژیم صهیونیستی» و «سرزمین‌های تحت کنترل آن» به کنگره ارائه دهد^۳.

در ۱۹ فوریه ۲۰۲۴ نیز فرماندار آلاسکا، مایک دانلوی، دستور اجرایی صادر کرد که طبق آن تمامی قراردادهای دولتی باید شامل بندی باشد که حمایت یا مشارکت در بایکوت رژیم صهیونیستی، موجب فسخ قرارداد خواهد شد^۴. در سال ۲۰۱۶، سنای ایالت آلاباما قانون SB 81 را تصویب کرد که به موجب آن نهادهای دولتی از انعقاد قرارداد با شرکت‌ها یا سازمان‌هایی که در بایکوت‌های «تبعیض‌آمیز» یا بایکوت‌هایی که به تجارت آزاد آلاباما آسیب می‌زند، شرکت کنند، منع شده‌اند^۵. این ممنوعیت قراردادی در ایالت‌های دیگر مانند کارولینای شمالی^۶، فلوریدا^۷ و اوکلاهاما^۸ نیز وجود دارد. در ژانویه ۲۰۱۷، فرماندار میشیگان، نیز لایحه‌های HB 5821 و HB 5822 را امضا کرد که دولت را از انعقاد قراردادهای ساخت و تعمیر و تأمین منابع و خدمات با شرکت‌هایی که رژیم صهیونیستی را تحریم می‌کنند، منع می‌کند^۹. در ۱۶ اوت ۲۰۱۶، فرماندار نیوجرسی، لایحه A 925/S 1923 را امضا کرد که

¹ Id. § 4452(b)(1)

² 19 U.S.C. § 4452 (2016).

³ Id. § 4452(d)(2)(A), (C), (D).

⁴ Alaska. (2024). Administrative Order by Governor Mike Dunleavy.

⁵ Alabama. (2016). SB 81.

⁶ State of North Carolina. (2017). North Carolina anti-BDS law, HB 161.

⁷ Florida SB 86. (2016). Florida's anti-BDS legislation

⁸ Oklahoma HB 3967. (2020). Oklahoma anti-BDS law.

⁹ Michigan. (2017). HB 5821 and HB 5822.

بر اساس آن صندوق‌های بازنشت‌گویی ایالتی بایستی از شرکت‌هایی که رژیم صهیونیستی را تحریم می‌کنند، خارج شوند.^۱ در سال ۲۰۱۷، دو لایحه مشابه در مجلس قانون‌گذاری ایالت ویسکانسین به تصویب رسید که طبق آن، شرکت‌هایی که با دولت ویسکانسین قرارداد می‌بندند، باید گواهی دهند که از تحریم رژیم صهیونیستی حمایت نمی‌کنند.^۲

همچنین، براساس قانون ایندیانا و نیز ایالت آیووا و نوادا، بایستی فهرستی از شرکت‌ها و سازمان‌های غیرانتفاعی که رژیم صهیونیستی را تحریم می‌کنند، ایجاد شود. این فهرست برای انصراف از سرمایه‌گذاری‌های دولتی در آنها استفاده خواهد شد.^۳ همچنین، براساس قانون HB 2617، نهادهایی که با آریزونا قرارداد می‌بندند باید تأیید کنند که در بایکوت رژیم صهیونیستی مشارکت ندارند. در سال ۲۰۱۹، اصلاحیه‌ای به این قانون اضافه شد که این قانون را محدود به پیمانکارانی با ۱۰ یا بیشتر کارمند و قراردادهایی به ارزش بیش از ۱۰۰,۰۰۰ دلار کرد.^۴ نمونه چنین قانونی در ایالت کنتاکی نیز وجود داشت که به ترتیب در اصلاحیه سال ۲۰۱۹، این محدودیت شامل برخی شرکت‌ها از جمله شرکت‌های دارای قراردادهای بالای ۱۰۰,۰۰۰ دلار و شرکت‌های با پنج یا بیشتر کارکنان می‌شود.^۵ نظیر این اصلاحیه در دستور اجرایی فرماندار وقت لوئیزیانا (۲۰۱۸) نیز وجود دارد.^۶ علاوه بر این موارد، براساس

¹ New Jersey. (2016). A 925/S 1923

² Wisconsin SB 450. (2017). Wisconsin anti-BDS law; See also: Texas House Bill 89. (2017). Texas state law prohibiting contracts with businesses that boycott Israel

³ Indiana. (2016). HB 1378; Iowa. (2016). HF 2331; Nevada. (2017). SB 26.

⁴ Arizona. (2016). HB 2617. See, Also: Arizona. (2019). SB 1167.

⁵ Kentucky. (2018). Executive Order 2018-905.

⁶ Louisiana. (2018). Executive Order.

قانون ۷۱۰ آرکانزاس، شرکت‌ها باید تعهدنامه‌ای مبنی بر عدم بایکوت رژیم صهیونیستی امضا کنند یا ۲۰ درصد از پرداختی‌های خود را به عنوان جریمه در ازای عدم امضای این تعهد پرداخت کنند^۱.

۳-۱-۲. چالش‌های حقوقی حق بر بایکوت در رویه قضایی آمریکا

نخست لازم به ذکر است که در رویه قضایی آمریکا، با فهم حق بایکوت به عنوان یک حق بر تشکل یا حق دادخواست به دولت^۲، این حق، مورد حمایت قرار گرفته است. به عنوان مثال، در قضیه Abood v. Detroit Board of Education، دادگاه تصریح کرد: «تحدید بایکوت‌های مصرف‌کننده، آزادی‌های انجمنی را که در پی منع کمک مالی مصرف‌کنندگان به تجار مخالف فلسفه اجتماعی آنهاست، کاهش خواهد داد»^۳. در ایالت آریزونا، قاضی، اجرای قانون اصلاح شده § 35-393.01 را مانع شد و اظهار داشت که این قانون، صدمات جبران ناپذیری را بر حقوق اجتماع و انجمن آمریکایی‌ها و آریزونیایی‌ها در راستای ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی به بار خواهد آورد و نیز با ارزش‌های این ایالت همسو نیست^۴.

در پرونده NAACP v. Claiborne Hardware Co، قاضی استیونز استدلال کرد که بایکوت مستحق حمایت متمم اول قانون اساسی است؛ زیرا بایکوت‌کنندگان کلیبورن - از طریق اختلال اقتصادی - از دولت، درخواست جبران نارضایتی‌ها را داشتند. بنابراین، وی، به اثرات اقتصادی بایکوت بر شهرستان کلیبورن، به عنوان یک دادخواست مورد حمایت قانون اساسی می‌نگریست، نه به عنوان دلیلی

¹ Arkansas. (2017). Act 710. See Ark. Code Ann. § 25-1-503(a)(1)-(2).

^۲ جهت مطالعه قوانین ایالت‌های دیگر که مضامینی مشابه محتوای ارائه شده دارند؛ نک به:

Minnesota. (2017). HF 400/SF 247; Mississippi. (2019). HB 761; Maryland. (2017). Executive Order 01.01.2017.25; Florida. (2016). SB 86; Georgia. (2016). SB 327; California. (2016). AB 2844; Illinois. (2015). SB 1761; Missouri. (2020). SB 739; Cuomo, A. (2016). Executive Order No. 157: State action against organizations that boycott Israel; California SB 1147. (2016). California's anti-BDS legislation.

³ A Right To Petition the Government

⁴ 431 U.S. 209 (1977); see also International Ass'n of Machinists v. Street, 367 U.S. 740 (1961)

⁵ Victory: Arizona Federal Court Blocks Anti-Boycott Law, PALESTINE LEGAL (Sept. 28, 2018), <https://palestinelegal.org/news/victory-federal-court-az-law?rq=Arizona>.

مشروع برای سرکوب بایکوت. در پرونده دیگری، «حق مردم ... برای درخواست از دولت برای جبران شکایات» به عنوان مبنای حمایت از پویشی در حوزه حمل و نقل مورد توجه دادگاه قرار گرفت.^۱ بر این اساس، تصور دادگاه از بایکوت به عنوان «اقدامات هماهنگ برای دریافت پاسخی از سوی دولت» باعث می‌شود بایکوت‌ها در برابر تلاش دولت برای محافظت از اقتصاد در برابر اختلالات اقتصادی محافظت شود؛ خصوصاً که این بایکوت‌کنندگان به جای تضمین نابودی رقابت اقتصادی «مشروع» به دنبال «حقوق برابری و حق آزادی» بودند.^۲ با این وجود برخی نظریه‌پردازان مانند هارپر، چنین ماهیتی برای بایکوت را ناکافی می‌دانند چه آنکه بایکوت‌های سیاسی غالباً به منظور تأثیرگذاری بر اقدامات نه فقط دولتی انجام می‌شود (Harper, 1984, pp. 417–420).

به هر روی با وجود برخی حمایت‌های متراکم از حق بر بایکوت، واکاوی رویکرد کلی رویه قضایی آمریکا می‌تواند نشانگر برخی چالش‌ها در حمایت بنیادین از حق بر بایکوت، خصوصاً در رابطه با رژیم صهیونیستی باشد؛ از جمله:

– **نفی «ماهیت گفتار محض» از بایکوت:** با وجود آنکه، بایکوت به عنوان سخنرانی «همیشه بر بالاترین پله سلسله مراتب ارزش‌های متمم اول استوار بوده»^۳، اما در برخی پرونده‌های قضایی مانند آرکانزاس تایمز علیه والدریپ، دادگاه ناحیه شرقی آرکانزاس، امتناع از معامله تجاری را «گفتار محض»^۴ محسوب نکرد و حمایت متمم اول قانون اساسی از بایکوت را لغو اعلام کرد.^۵

^۱ Eastern Railroad Presidents Conference v. Noerr Motor Freight, Inc., 365 U.S. 127 (1961).

^۲ 102 S. Ct. at 3426.

^۳ NAACP v. Claiborne Hardware, Co., 458 U.S. 886, 913 (1982) (quoting Carey v. Brown, 447 U.S. 455, 467 (1980); Buckley v. Valeo, 424 U.S. 1 (1976); See Janus v. American Federation of State, County, and Municipal Employees, 138 S. Ct. 2448, 2486 (2018).

^۴ Pure speech

^۵ Arkansas Times LP v. Waldrip, 362 F. Supp. 3d 617 (E.D. Ark. 2019), aff'd, No. 19-1378, 2022 WL 2231807 (8th Cir. June 22, 2022).

در پرونده‌های متعددی، دادگاه عالی، بایکوت را به دلیل وجود جلسات، سخنرانی‌ها و اعتصاب‌های مسالمت‌آمیز یا بدان دلیل که در پی دفاع از حقوق مدنی داخلی بوده، مورد حمایت متمم اول قرار داده است.^۱

– **این همان انکاری بایکوت با «تهدید و اذیت‌های تلافی‌جویانه غیرمشروع»:** امروزه شکایات در مورد بایکوت، به این سوال که آیا بایکوت به عنوان یک «بیان» مورد حمایت متمم اول هست یا خیر، مربوط نمی‌شوند؛ چراکه در موارد مختلفی ثابت شده که متمم اول رفتار بیانگر را مورد حمایت قرار می‌دهد^۲ بلکه شکایات، با تمرکز بر اثرات نامحدود بایکوت، به دنبال اثبات نامشروع بودن آن هستند و یا آن را نوعی تهدید، آزار و اذیت یا تلافی‌جویانه تحلیل می‌کنند^۳. ولی وضعیت محافظت شده بایکوت براساس متمم اول، به شدت با تحلیل این حق به عنوان «تهدید، آزار و اذیت یا تلافی‌جویی» ناهمدل بوده^۴ و «دادگاه‌ها نباید کسانی که را به طور قانونی از حقوق قانونی خود استفاده نموده‌اند تا نارضایتی خود را به نمایش بگذارند، محکوم کند»^۵. الزام مردم به ایستادن در ملا عام برای اعمال سیاسی خود، شجاعت مدنی را تقویت کرده و بدون آن، دموکراسی محکوم به فناست^۶.

اما در جای دیگری، دادگاه در پاسخ به این استدلال که بایکوت بایستی به دلیل فشار و اجبار اجتماعی، ماهیت محافظت شده خود را از دست دهد، تصریح کرد: «گفتار صرفاً به این دلیل که ممکن است دیگران را در محظوریت قرار دهد یا آنها را وادار به انجام این کار کند، خصوصیت محافظت شده خود را از

1. NAACP v. Claiborne Hardware Company, 458 U.S. 886 (1982). See Waldrip, 362 F. Supp. 3d at 624–26.

2. See, e.g., Texas v. Johnson, 491 U.S. 397 (1989); Spence v. Washington, 418 U.S. 405 (1974).

3. See, e.g., Wis. Right to Life, Inc. v. Fed. Election Comm’n, 546 U.S. 410 (2006); Protectmarriage.com v. Bowen, 599 F. Supp. 2d 1197, 1198 (E.D. Cal. 2009)

4. Brown v. Socialist Workers ‘74 Campaign Comm., 459 U.S. 87, 100 (1982).

5. Protectmarriage.com v. Bowen, 599 F. Supp. 2d 1197, 1218 (E.D. Cal. 2009).

6. Doe v. Reed, 130 S. Ct. 2811, 2837 (2010)

دست نمی‌دهد و این آثار، قهری و ذاتی آن پیام است..و این اساساً با عملکرد یک روزنامه تفاوتی ندارد»^۱.

—**استناد به «نفع دولتی به اندازه کافی مهم» در تنظیم‌گری دولتی «حق بر بایکوت»:** با اینکه بایکوت‌ها مشتمل بر عناصر گفتاری و غیرگفتاری اعم از سخنرانی، گردهمایی و انجمن هستند^۲، ولی دادگاه آنها را «غیرقابل تفکیک»^۳ لحاظ کرد؛ به عبارتی، تراکنش‌های مالی در قالب بایکوت می‌تواند به صورت گفتاری و غیرگفتاری باشد و از حمایتی مشابه با کلمات و نوشتار برخوردار شود^۵ ولی در برخی آراء با توجه به این امکان‌ناپذیری تفکیک، بیان شده که «نفع دولتی به اندازه کافی مهم»، می‌تواند تحدید موردی و تنظیم‌گری عناصر غیرگفتاری آزادی‌های متمم اول را توجیه کند^۶. با این حال، چنانچه دولت دیدگاه پشت بایکوت یا فعالیتهای گفتاری اصلی پیرامون بایکوت—مانند سخنرانی، گردهمایی، انجمن و دادخواست را ملاک بررسی قرار دهد، حمایت قوی‌تری بر مبنای متمم اول ایجاد خواهد شد^۷.

—**تفسیر مضیق حق بایکوت و شرطی‌سازی اطلاق حق:** این رویکرد در برخی آراء قضایی، برخلاف رویکرد رقیب که در پی منع حق بایکوت یا تفوق اقتصاد بر حقوق بشر یا اصولی همچون حاکمیت دولت و روابط بین‌المللی بر حق بایکوت بوده، در پی تعدیل اطلاق و عموم حق بایکوت در عرصه اجراست؛ از جمله این شروط می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. حق بایکوت بایستی تنها برای مصرف‌کنندگان لحاظ شود: اراده آزاد مصرف‌کنندگان نسبت به انتخاب‌های تولیدکنندگان، مستحق حمایت بیشتری است. از منظر اجتماعی، تولیدکننده

1. NAACP v. Claiborne Hardware Co., 458 U.S. (1982). at 911 (citing Thornhill v. Alabama, 310 U.S. 88 (1940); Schneider v. New Jersey, 308 U.S. 147 (1939)).

2 United States v. O'Brien, 391 U.S. 367 (1968)

3. inseparable

4 See NAACP v. Claiborne Hardware Co., 458 U.S. 886, 911 (1982).

5See, e.g., Citizens United v. Fed. Election Comm'n, 558 U.S. 310, 336–40 (2010).

6. NAACP v. Claiborne Hardware Co., 458 U.S.at 911

7. See, e.g., Arkansas Times LP v. Waldrup, 988 F.3d 453, 461 (8th Cir. 2021), rev'd en banc, No. 19-1378. 2022 WL 2231807 (8th Cir. June 22, 2022)

و صاحبان سرمایه، قدرت اقتصادی تخصصی و بسیار نابرابر دارند؛ همچنانکه با تهدید به توقف خدمات یا اخراج سرمایه خود، می‌توانند اهرمی نامتناسب بر تصمیمات مهم اجتماعی اعمال کنند؛ در حالی که مصرف‌کنندگان، نمی‌توانند به طور مؤثر با این موارد مقابله کنند. بر همین اساس است که دیوان عالی آمریکا در موارد متعددی به این قاعده اشاره داشته که وقتی افراد یا شرکت‌ها کنترل انحصاری بر قدرت بیان خاصی دارند، دولت می‌تواند بیان آنها را تا حد فوق‌العاده‌ای تنظیم کند.^۱

۲. حق بایکوت تنها شامل حالاتی باشد که هدف آن، تأثیرگذاری بر «تصمیم‌گیری» اهداف بایکوت است، نه «وضعیت» آنها؛ به عبارت دیگر، حق بایکوت، حقی به منظور تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری اجتماعی (شامل روش اعمال نفوذ سیاسی هدف بایکوت، محصولات در معرض فروش، کارکنان، نحوه تخصیص سرمایه)، متفاوت از بایکوت‌های شکل گرفته به دلیل هویت صاحبان یا مدیران یک کسب و کار است. به عنوان مثال، پس از تصمیم دادگاه عالی در مورد تورنهییل علیه آلاباما^۲ و اعطای حمایت قانون اساسی به برخی از تجمعات مسالمت‌آمیز، از جمله بایکوت تجارت، پروفیسور جافه نگران بود که از حق بایکوت برای سازماندهی بایکوت مشاغل به دلیل ملاحظات قومی و نژادی استفاده شود (Jaffe, 1943, p. 1037). بنابراین، حق بایکوت، به چنین بایکوت‌های تعلق نمی‌گیرد؛ زیرا هدف نهایی آنها به جای تأثیرگذاری بر تصمیم‌های اجتماعی، آسیب رساندن به افراد خاص است.

^۱ Compare CBS v. FCC, 453 U.S. 367 (1981); Red Lion Broadcasting Co. v. FCC, 395 U.S. 367, 391 (1969); Miami Herald Publishing Co. v. Tornillo, 418 U.S. 241 (1974). Associated Press v. United States, 326 U.S. 1, 20 (1945).

^۲ Thornhill v. Alabama 310 U.S. 88 (1940).

ای، دادگاه تأکید کرد که می‌سی‌سی‌پی می‌تواند خشونت و تهدید به خشونت را منع نموده و نسبت به بایکوت کننده، مسئولیت کیفری فرض نماید^۳. همچنین، در صورتی که بایکوت-کنندگان نسبت به مصرف‌کنندگان بالقوه، مرتکب توهین شوند، دولت می‌تواند در خصوص تنظیم حق بایکوت، مداخله نماید^۴.

۴. حق بایکوت محدود به حق مشارکت در اعتصاب صلح‌آمیز باشد و در پرونده‌ای، دادگاه ایالتی به دلیل اعمال پراکنده خشونت‌آمیز همزمان با بایکوت، هر گونه اعتصاب، ترغیب دیگران به اعتصاب، اجتماع مردمی برای انجام هر کاری که «مستقیم یا غیرمستقیم» دیگران را متقاعد کند که با بازرگانان معامله نکنند را ممنوع اعلام کرد.^۵ در جای دیگری، دادگاه حمایت از حق بایکوت را مشروط به «مسالمت‌آمیز» کرده و تورن هیل را به دلیل آنکه تلاش‌های بایکوت آن، شامل اعمال خشونت‌آمیز و تخریب اموال بود، از شرکت در هرگونه تظاهرات اتحادیه کارگری ممنوع کرد.^۶

۵. حق نبایستی به دلیل اثرات مضر تصادفی بر «طرف‌های غیر هدف» محدود شود. تا زمانی که سازمان‌دهندگان بایکوت قصد دارند تنها بر آن دسته از اهداف، اعم از دولتی یا خصوصی، تأثیر بگذارند که خواهان تغییرات اجتماعی از سوی آنها هستند، این حق نبایستی محدود

¹ See *United Steelworkers v. Weber*, 443 U.S. 193, 208 (1979); *New Negro Alliance v. Sanitary Grocery Co.*, 303 U.S. 552 (1938).

² See *New York Times Co. v. Sullivan*, 376 U.S. 254 (1964); See *Wolston v. Readers Digest Ass'n*, Inc., 443 U.S. 157 (1979); *Hutchinson v. Proxmire*, 443 U.S. 111 (1979); *Time, Inc. v. Firestone*, 424 U.S. 448 (1976); *Gertz v. Robert Welch, Inc.*, 418 U.S. 323 (1974).

³ Claiborne Hardware 102 S. Ct. at 3426

⁴ See: *Miami Herald Publishing Co. v. Tornillo*, 418 U.S. 241 (1974); *Mills v. Alabama*, 384 U.S. 214 (1966); *Friedman v. Rogers*, 440 U.S. 1, 9 (1979); *Bates v. State Bar*, 433 U.S. 350, 383 (1977); *Virginia Bd. of Pharmacy v. Virginia Citizens Consumer Council*, 425 U.S. 748, 771 (1976).

⁵. *Machesky v. Bizzell*, 414 F.2d 283, 285 (5th Cir. 1969).

6. *Thornhill v. Alabama*, 310 U.S. 88 (1940). see also *Am. Fed'n of Lab. V. Swing*, 312 U.S. 321, 324-26 (1941). See *Milk Wagon Drivers Union of Chi., Loc. 753 v. Meadowmoor Dairies*, 312 U.S. 287, 294-95 (1941).

شود؛ زیرا در هر حال، امکان تأثیرات مضر اتفاقی بر نهادها یا افراد ظاهراً بی طرف غیرقابل انکار است (Paskowitz, 1982, p. 773). به عنوان مثال، بایکوت‌هایی که سازمان ملی زنان (NOW) علیه نهادهای سیاسی ایالت‌هایی که اصلاحیه حقوق برابر (ERA) را تصویب نکرده بودند، سازماندهی کرد، مستقیماً به برخی از صاحبان هتل، رستوران و همچنین برخی از کارمندان که از حامیان فعال این اصلاحیه بودند، آسیب وارد کرد^۱ اما این تأثیرات اتفاقی، مانع مشروعیت حق بایکوت نمی‌شود.

۶. حق بایکوت، مواردی را که طرفداران با انگیزه منافع شخصی (بدل از آرمان‌خواهی یا نوع-دوستی) از بایکوت حمایت می‌نمایند، نیز دربرمی‌گیرد؛ چه آنکه، تمییز منفعت شخصی از تعهد ایدئولوژیک سهل نبوده و حتی اگر قابل مدیریت باشد، این تمایز با رویه قضایی متمم اول، ناسازگار خواهد بود. دیوان به طور مداوم از اقدامات سیاسی دارای انگیزه منافع اقتصادی به همان اندازه اقدامات سیاسی با انگیزه نوع دوستی حمایت کرده است^۲ (Baker, 1976) و آثار مالی آزادی بیان نمی‌تواند بر محدودیت زمانی و مکانی و نیز شیوه بیان محتوا تأثیر بگذارد^۳.

۲-۳. چالش‌های رویه‌ای حق بایکوت در اتحادیه اروپا

۱-۲-۳. چالش‌های حق بایکوت در قوانین کشورهای عضو اتحادیه اروپا

¹ See *Missouri v. NOW*, 620 F.2d 1301, 1317 (8th Cir.).

² See *Ohralik v. Ohio State Bar Ass'n*, 436 U.S. 447 (1978); *Virginia Bd. of Pharmacy v. Virginia Citizens Consumer Council*, 425 U.S. 748, 771 n.24 (1976). See, e.g., *Central Hudson Gas & Elec. Corp. v. Public Serv. Comm'n*, 447 U.S. 557 (1980); *Consolidated Edison Co. v. Public Serv. Comm'n*, 447 U.S. 530 (1980); *First Nat'l Bank v. Bellotti*, 435 U.S. 765 (1978); *Eastern R.R. Presidents Conference v. Noerr Motor Freight*, 365 U.S. 127, 138 (1961) (Noerr).

³ *McConnell v. Fed. Election Comm'n*, 540 U.S. 93, 94 (2003), overruled by *Citizens United v. Fed. Election Comm'n*, 558 U.S. 310 (2010).

بیشترین واکنش‌های حمایت‌گرایانه را در ایرلند و سوئد می‌توان یافت. در سیاست رسمی دولت سوئد: «جنبش بایکوت، یک جنبش جامعه مدنی است و دولت‌ها نباید در دیدگاه سازمان‌های جامعه مدنی دخالت کنند»^۱.

—**وضع مسئولیت کیفری و حبس نسبت به اعمال حق بایکوت:** با وجود مشروعیت حق بایکوت در سطح اسناد اتحادیه اروپا، اما در میان کشورهای عضو، فرانسه، بیشترین قوانین ضد بایکوت را وضع کرده و مسئولیت کیفری و حبس برای حمایت از بایکوت کالاهای ساخت رژیم صهیونیستی در نظر گرفته است.^۲

—**سلب امتیازات و امکانات دولتی از وضعیت بایکوت:** در برخی کشورها مانند هلند، فعالیت چنین جنبش‌هایی همچنان محل مناقشه است؛^۳ به عنوان مثال دولت هلند وضعیت معافیت مالیاتی موسسات غیرانتفاعی حامی جنبش بایکوت را لغو نکرد؛^۴ اما در مقابل تصمیم دادگاه اداری هلند که دستور برچسب‌گذاری کالاهای ساخت رژیم صهیونیستی تولید شده در شهرک‌ها را صادر کرده بود، پارلمان طرحی را در اعتراض به این حکم تصویب کرد.^۵ در سال ۲۰۱۷، شورای شهر فرانکفورت آلمان نیز قانونی را تصویب کرد که براساس آن، هرگونه سازمانی که از BDS حمایت کند، از دریافت بودجه و استفاده از مکان‌های عمومی محروم خواهد شد.^۶ در سطح ملی، حزب Alternative for Germany در سال ۲۰۱۹

¹ See Abunimah, Sweden Denies Israeli Claim That It Opposes BDS, supra note 125.

^۲ از سال ۱۹۷۷، فرانسه قوانین منع حمایت از بایکوت کشورهای دیگر را بر اساس قوانین مطبوعاتی ۱۸۸۱ تصویب کرد. در سال ۲۰۰۳ نیز، قانون Lellouche به تصویب رسید که مجازات‌های سنگین‌تری برای کسانی که از جنبش BDS حمایت می‌کنند، اعمال می‌کند (Markowicz, 2017).

³ Irish And Dutch Governments Join Sweden in Speaking Out for Right to Call For BDS, BDSMOVEMENT.NET (May 26, 2016), <https://bdsmovement.net/news/irish-and-dutch-governments-join-sweden-speaking-out-right-call-bds>.

⁴ Dutch Parliament Calls for Stripping BDS Groups of Government Funding, THE JERUSALEM POST (June 16, 2016), <https://www.jpost.com/International/Dutch-parliamentcalls-for-stripping-BDS-groups-of-government-funding-457004>

⁵ Dutch parliament passes motion against mandatory labeling of settlement products, TIMES OF ISRAEL (Nov. 20, 2019, 5:08 AM), <https://www.timesofisrael.com/dutchparliament-passes-motion-opposing-labeling-of-settlement-products/> [https://perma.cc/ MNM5-2C9L].

⁶ Frankfurt City Council. (2017). Frankfurt City Council Resolution. <https://www.frankfurt.de>

یک لایحه برای ممنوعیت جنبش BDS در آلمان ارائه داد که با مخالفت احزاب دیگر مواجه شد و نهایتاً به تصویب نرسید. با این حال، پارلمان آلمان یک قطعنامه ضد BDS را تصویب کرد که بر محکومیت این جنبش تأکید داشت.^۱

در دیگر کشورهای عضو مانند اتریش (فوریه ۲۰۲۰)، شورای ملی اتریش، قطعنامه‌ای غیرالزام‌آور تصویب کرد که خواستار عدم ارائه کمک‌های دولتی به گروه‌هایی شد که دیدگاه‌های ضد یهودی دارند یا «حق وجود رژیم صهیونیستی» را زیر سوال می‌برند.^۲ در ۲۲ اکتبر ۲۰۱۹ نیز مجلس نمایندگان جمهوری چک، قطعنامه‌ای را تصویب کرد که تمامی فعالیت‌ها و اظهارات گروه‌هایی که خواستار تحریم رژیم صهیونیستی یا کالاهای آن هستند را محکوم کرد. این قطعنامه همچنین از دولت خواست که هیچ‌گونه کمک مالی به گروه‌هایی که تحریم رژیم صهیونیستی را ترویج می‌کنند، ارائه ندهد.^۳

۳-۲-۲. چالش‌های حق بایکوت در رویه قضایی کشورهای عضو اتحادیه اروپا

در رویه قضایی کشورهای عضو می‌توان نمونه‌هایی در خصوص حمایت از حق بایکوت در قالب آزادی بیان و آزادی تجمع یافت، از جمله: در آلمان، در پرونده مربوط به مخالفت با درخواست گروه محلی BDS برای اجاره مکان‌های عمومی در شهر اولدنبورگ به دلیل نگرانی از تنش‌های محتمل سیاسی و اجتماعی، دادگاه این اقدام را نقض حق آزادی بیان دانست.^۴ نظیر همین حکم نیز در سال ۲۰۱۷ نسبت به ممانعت از برگزاری یک نشست در خصوص محدودیت‌های آزادی بیان نسبت به جنبش BDS در

^۱ Bundestag. (2019). Resolution condemning the BDS movement. <https://www.bundestag.de>

^۲ Austrian National Council. (2020). Resolution condemning all forms of anti-Semitism including Israel-related anti-Semitism. <https://www.parlament.gv.at>

^۳ Chamber of Deputies of the Czech Republic. (2019). Resolution condemning BDS activities and statements. <https://www.psp.cz>

^۴ Oldenburg Administrative Court. (2016). Glanz v. Oldenburg. <https://www.verwaltungsgericht.de>

موزه شهر مونیخ، به نفع درخواست کننده صادر شد.^۱ در سال ۲۰۱۶، نیز در پی رد درخواست استفاده کمیته BDS از برخی اماکن عمومی توسط شورای شهر تولوز، دادگاه اداری، این امتناع را حمله‌ای شدید و آشکارا غیرقانونی به آزادی تجمع دانست.^۲ اما در مواردی نیز چالشهایی متعدد نسبت به شناسایی حق بایکوت اسرائیل وجود دارد؛ از جمله:

— **احتساب حق بایکوت به مثابه تحریک به نفرت:** دادگاه‌های فرانسه، مشارکت به بایکوت را به عنوان تحریک به نفرت^۳ تأیید کرده‌اند.^۴

— **برشمارش بایکوت به عنوان «تبعیض»:** در سال ۲۰۱۳، چهارده فرانسوی به دلیل حضور در اماکن عمومی با لباس‌های حاوی شعارهایی نظیر «زنده‌باد فلسطین» و «خرید محصولات ساخت رژیم صهیونیستی به معنای مشروعیت بخشی به جنایات ارتكابی در غزه و سیاست رژیم صهیونیستی است»، به جریمه ۱۰۰۰ یورویی با عنوان «غرامت ناشی از تبعیض» محکوم شدند.^۵ همچنین، در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ فعالان جنبش BDS که در اعتراضات ضد رژیم صهیونیستی شرکت کرده بودند، به اتهام تحریک به تبعیض تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند. دادگاه‌های فرانسه به نفع دولت این افراد را محکوم کردند. البته فارغ از این چالشها در سطح کشورهای عضو، با ارجاع این پرونده به دادگاه اروپایی حقوق بشر، در سال ۲۰۲۰،

¹ Bavarian Administrative Court. (2020). Ried v. Munich. <https://www.bverwg.de>

² Cited on 'Victoire contre le maire de Toulouse!' BDSFrance (31 May 2016), online: www.bdsfrance.org/victoire-contre-le-maire-de-toulouse/.

³ incitement to hatred

⁴ Benjamin Dodman, France's Criminalisation of Israel Boycotts Sparks FreeSpeech Debate, FRANCE 24 (Jan. 21, 2016), <https://www.france24.com/en/20160120-france-boycott-israel-bds-law-free-speech-antisemitism>.

⁵ Cass. Crim., 20 October 2015, n 14-80021, ECLI:FR:CCASS:2015:CR04238 (rejet pourvoi c/CA Colmar, 27 nov. 2013), M.Guérin, prés. ; Me Carbonnier, SCP Lyon-Caen et Thiriez SCO Waquet, Farge et Hazan, av.

دادگاه اروپایی حکم داد که دولت فرانسه باید غرامت به این افراد بپردازد و بر آزادی بیان آنها تأکید کرد.^۱

در سال ۲۰۱۹ نیز دادگاه اداری کادیز اسپانیا، قطعنامه شورای شهر در خصوص آزادی آپارتاید رژیم صهیونیستی^۲ را به دلیل آنکه شورای شهر، در عرصه روابط بین الملل، اتخاذ تصمیم نموده، غیرمعتبر اعلام نمود.^۳ در مقابل، دیوان عالی اسپانیا، در سال ۲۰۲۲، ماهیت جنبش‌های بایکوت رژیم صهیونیستی را «تبعیض آمیز» خوانده و اعلام کرد که هرگونه تلاش برای تحریم رژیم صهیونیستی از طریق BDS، به عنوان اقدامی که باعث نقض حقوق بشر و آسیب به فرآیندهای حقوقی می‌شود، غیرقانونی دانست.^۴

—تقدم حقوق تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران بر بایکوت‌کنندگان: دادگاه اروپایی حقوق بشر در حکم سال ۲۰۰۹ ویلم سی علیه فرانسه، تحدید آزادی بیان یک شهردار فرانسوی را که به دلیل درخواست از مسئول پذیرایی شهرداری برای تحریم آب میوه رژیم صهیونیستی به منظور اعتراض به «سیاست ضد دموکراتیک» رژیم صهیونیستی محکوم شده بود، نقض نکرد^۵ و مقرر نمود که دیوان بیان سیاسی را تنها به دلایل ضروری قابل تحدید می‌داند؛ از جمله به دلیل حمایت از حقوق تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران در مقابل تبعیض ناشی از ملیت رژیم صهیونیستی.^۶ این در حالی است که به نظر می‌رسد فراخوان بایکوت

¹ European Court of Human Rights. (2020). Baldassi & Others v. France. <https://www.echr.coe.int>

²² the City Council's 2016 'Israeli Apartheid Free Space' resolution

³ European Legal Support Center Legal Memo for the case: City Council of Cadiz (ESP) and the Association for Human Rights in Andalusia vs. the Legal Committee for the Fight Against Discrimination.

⁴ Supreme Court of Spain. (2022). Spanish Supreme Court ruling on BDS. <https://www.poderjudicial.es>

⁵ 'Call for Boycott: ECHR Requests Explanations from France' Association France Palestine Solidarité Press Release (15 April 2017), online: <www.france-palestine.org/Call-for-Boycott-ECHR-requests-explanations-from-France>

⁶ Willem c France App No 10883/05 (EHRM, 16 July 2009)

را بایستی «ابراز موضع سیاسی یک مقام منتخب در خصوص یک موضوع مهم بین‌المللی» در نظر گرفت، که علاوه بر این، در جلسه شورا؛ یعنی «در یک مکان ممتاز برای گفتگوی عمومی» صورت پذیرفته است.

—**پیش‌شرط «اثبات عدم ضدیت با یهود» برای بهره‌گیری از حق بایکوت:** در سال ۲۰۱۷، شهردار فرانکفورت با استناد به یهودی‌ستیزی، درخواست کمیته BDS برای استفاده از فضاهاى جلسه متعلق به شهر را رد کرده و از مالکان خصوصی نیز همین امتناع را درخواست کرد.^۱ بنابر حکم دادگاه اداری اولدنبورگ، فعالان BDS به اندازه کافی ثابت نکردند که پویش آنها ضد یهود نیست، اما دادگاه عالی اداری استدلال کرد که هیچ مستندی دال بر نقض اصول اساسی نظم لیبرال-دموکراتیک وجود ندارد.^۲

۴. تحلیل تطبیقی رویکرد آمریکا و اتحادیه اروپا در حوزه حق بایکوت رژیم صهیونیستی

از حیث رویه‌ای و مرور مصادیق ناظر به بایکوت در پیشینه این پژوهش و تبیین موارد متعدد و مداوم استفاده از بایکوت برای اعمال تغییرات اجتماعی و سیاسی، نشان می‌دهد که این شیوه تعامل صرفاً یک اثر تاریخی نیست، بلکه بایکوت همچنان به عنوان یک شیوه مهم مشارکت در دموکراسی و به عبارت ابرار «دموکراتیک کردن حوزه اقتصاد و سیاست» عمل می‌کند؛ خصوصاً در برهه‌هایی از زمان که مردم و جنبش‌های اجتماعی احساس می‌کنند که نهادهای قانونی و رسمی (خصوصاً بین‌المللی) به اندازه کافی و درست برای مقابله با بی‌عدالتی و نقض حقوق بشر عمل نمی‌کنند و بایکوت رژیم صهیونیستی می‌تواند پیشران مهمی برای نزدیک شدن به صلح مبتنی بر حق اساسی و جهانی برابری باشد. در این زمینه همچنانکه از مجموع مطالب بخش دوم این نوشتار برمی‌آید، روایی نظری، امری نیست که مورد اختلاف باشد؛ جز آنکه کسی، اختلافات ناظر به شمول حمایت متمم اول قانون اساسی بر «بایکوت» را ناظر به

^۱ 'Antisemitismus keinen Raum geben' Frankfurt.de (25 August 2017), online: <www.frankfurt.de/sixcms/detail.php?id=8653&_ffmpar%5B_id_inhalt%5D=32696215>

^۲ Riry Hilton, 'Big BDS Legal Win Germany' Electronic Intifada (17 October 2018), online: <<https://electronicintifada.net/content/big-bds-legal-win-germany/25741>>

سطح نظری قلمداد نماید؛ وگر نه اسناد متعدد حقوق بشری و بین‌المللی و نظریات گوناگون نشان از روایی این حق در سطح تئوری دارد که براساس آن، حق بر بایکوت ماهیتی از قبیل «آزادی بیان»، «آزادی تشکل»، «حق درخواست از دولت» و «حق خودآیینی» دارد.

با این وجود، در سطح رویه‌ای، مقایسه تطبیقی نظام حقوقی اتحادیه اروپا و آمریکا، نشان از آن دارد که با وجود مشروعیت حق بایکوت در اسناد مصوب اتحادیه اروپا، کشورهای عضو در شناسایی و حمایت از این حق، به طیفی از عدم حمایت، حمایت عادی و حمایت‌های قوی تقسیم شده‌اند. همین امر نیز در نسبت میان قانون اساسی ایالات متحده آمریکا - فارغ از برخی اختلافات در تفسیر ناظر به حمایت متمم اول قانون اساسی آمریکا از حق بایکوت - با ایالات مختلف آمریکا وجود دارد. به عبارت دیگر، اختلاف محتوایی و ماهوی پررنگی میان سطح فدرال با سطوح ایالتی در قوانین وجود دارد. در تشریح این عبارت، می‌توان چنین گفت که قوانین ضد حق بایکوت، حداقل در ۳۵ ایالت آمریکا تصویب شده که هنجار بنیادین و کلی این قوانین، تمرکز بر منع «قرارداد» با نهادهای خصوصی شرکت‌کننده در پویش‌های بایکوت بوده و هنجار دیگر انعکاس یافته در این قوانین، منع از «سرمایه‌گذاری» در شرکت‌هایی است که در بایکوت علیه رژیم صهیونیستی شرکت داشته‌اند.

اما در سطح رویه قضایی، می‌توان عمده آرای قضایی موجود در نظام حقوقی آمریکا را اختلافی ماهوی در عین تحفظ بر «حاکمیت قانون» دانست؛ به عبارت دیگر، تحلیل‌های قضایی ناظر به این پرسش بوده که بایکوت و یا آثار بلندمدت ناشی از آن می‌تواند مشمول حمایت‌های متمم قانون اساسی باشد یا خیر؟ اما در آرای قضایی موجود در اتحادیه اروپا، اختلاف در سطح تطبیق ایجابی یک قاعده بر مصداق نیست، بلکه رویکرد سلبی در نفی حق بایکوت از طریق استناد به اموری نظیر تبعیض و تحریک به تبعیض یا تقدیم دیگر مصادیق حق‌ها بر حق بایکوت یا جعل برخی پیش‌شرطها برای برخورداری از این حق بوده است که از قبیل «جُهد در برابر اصل حاکمیت قانون مصوبات اتحادیه اروپا» به شمار می‌رود. بنابراین رویکرد قضایی میان این دو نظام حقوقی متفاوت به نظر می‌رسد.

فارغ از تفاوت در رویکرد کلی این دو نظام، می‌توان نوع چالشها را نیز متفاوت دانست. به عنوان مثال با وجود حمایت قضایی در «برخی موارد» کشانده شده به دیوان اروپایی حقوق بشر، حق بایکوت مورد حمایت قرار گرفته است؛ ولی همین حمایت در سطح «دادگاه‌های ایالتی» آمریکا یافت می‌شود. به هر روی، نوع چالشها در اتحادیه اروپا مواردی از قبیل سلب حمایت‌های دولتی یا گنجاندن «بایکوت» در قالب «تحریک به نفرت» یا «تبعیض» بوده است.

اما در آمریکا، طیفی از رویکردها را می‌توان مشاهده کرد. در رویکرد سختگیرانه و نافعی حق بایکوت، ماهیت «گفتار محض» از حق بایکوت زدوده شده یا با شمارش این حق در زمره «تهدید و اذیت‌های تلافی‌جویانه غیرمشروع»، وضعیت محافظت شده این حق براساس متمم اول قانون اساسی مورد انکار قرار گرفت. اما در رویکرد دیگر، با شناسایی حق بر بایکوت، مواجهه اعتدال‌گرایانه میان منافع و اغراض سیاسی آمریکا با حقوق بشر مورد اتخاذ قرار گرفته و نوعی «سیاسی‌سازی قضاوت» نسبت به حق بشر بر بایکوت رخ داده است. از جمله لوازم این رویکرد، فرض برخی پیش‌شرطها برای برخورداری از حق بایکوت است؛ همانند حصر نسبت به مصرف‌کنندگان و لزوماً مسالمت‌آمیز بودن و توجه به رفتارهای هدف بایکوت و اجتناب از رفتارهای غیرقانونی در فعالیت‌های بایکوت‌محور. لازمه دیگر این رویکرد، تحلیل‌های مختلف در خصوص «نقش و نسبت دولت» با «حق بایکوت» از قبیل «رویکرد سلبی و عدم مداخله» یا «لزوم دخالت ایجابی» یا «دخالت تنظیم‌گرانه» است که عمده آراء به سمت رویکرد سوم و شناسایی حق دخالت برای دولت براساس برخی جهات و موجهات است که در قالب برخی آراء بدان اشاره می‌شود:

به عنوان مثال، دادگاه‌های آمریکا نیز در موارد متعددی حکم نموده‌اند که قوانین ضد بایکوت، نقض بدون توجیه کافی «رفتار مورد حمایت قانون» است^۱ که به صورت نامشروع دیدگاه‌ها و اهداف مهم در پسِ

¹. See *Jordahl v. Brnovich*, 336 F. Supp. 3d 1016, 1039–49 (D. Ariz. 2018), vacated and remanded, 789 Fed. Appx. 589 (9th Cir. 2020).

بایکوت را مورد هدف قرار داده است.^۱ همچنین، اعطای مزایای دولتی را نمی‌توان مشروط به واگذاری حقوق متمم اول و از جمله حق بایکوت کرد. بر همین اساس، ایالت‌ها نمی‌توانند نسبت به پیمانکاری که از حقوق متمم اول خود استفاده کرده، قرارداد را فسخ یا از تمدید آن امتناع کنند^۲ و یا فرد را به دلیل استفاده از چنین حقی، محروم از ورود به استخدام دولتی کرد^۳. با این حال دیوان عالی کشور، مطرح نموده که دولت به عنوان یک طرف قرارداد، دارای «منافع مشروعی» است که ممکن است در برخی شرایط بر حقوق متمم اول پیمانکاران برتری بیابد و دادگاه ممکن است بین منافع دولت و پیمانکار تعادل ایجاد نموده و تعیین نماید که چنین محدودیتی در بیان پیمانکاران مجاز است و یا خیر^۴.

در جای دیگری، اعضای NAACP (انجمن ملی پیشرفت رنگین‌پوستان) اقدام به بایکوت کسب‌وکارهای سفیدپوستان در شهر کلی‌بورن می‌سی‌سی‌پی، کردند. هدف از این بایکوت اعتراض به تفکیک نژادی و درخواست بهبود حقوق مدنی سیاه‌پوستان بود. دادگاه عالی ایالات متحده اعلام کرد که بایکوت، با توجه به این که شامل فعالیت‌های مسالمت‌آمیز مانند سخنرانی‌ها و گردهمایی‌ها است، تحت حمایت متمم اول قانون اساسی ایالات متحده قرار دارد^۵ و حق دولت‌ها برای تنظیم فعالیت‌های اقتصادی نمی‌تواند ممنوعیت کامل بایکوت‌های مسالمت‌آمیز و با انگیزه سیاسی را که برای تحمیل تغییرات دولتی و اقتصادی طراحی شده‌اند، توجیه کند^۶. همچنین، حتی اگر بایکوت‌ها فشار اقتصادی ایجاد کنند، این فشار بخشی [ذاتی] از بیان سیاسی و ابراز اعتراض محسوب می‌شود و نمی‌توان آن را به‌سادگی محدود کرد

^۱ See: *Amawi v. Pflugerville Indep. Sch. Dist.*, 373 F. Supp. 3d 717, 757-78 (W.D. Tex. 2019), vacated as moot, *Amawi v. Paxton*, 956 F.3d 816 (5th Cir. 2020); *Koontz v. Watson*, 283 F. Supp. 3d 1007, 1020-24 (D. Kan. 2018); *Martin v. Wrigley*, 540 F. Supp. 3d 1220, 1227-31 (N.D. Ga. 2021).

^۲ *Pickering v. Bd. of Educ.*, 391 U.S. 563 (1968); *Elrod v. Burns*, 427 U.S. 347 (1976); *Bd. of Comm'rs, Wabaunsee Cty. v. Umbehr*, 518 U.S. 668 (1996); *O'Hare Truck Serv. v. City of Northlake*, 518 U.S. 712 (1996).

^۳ *Oscar Renda Contracting, Inc. v. City of Lubbock*, 463 F.3d 382 (2006).

^۴ *Umbehr*, 518 U.S. at 678-79.

^۵ *NAACP v. Claiborne Hardware Co.*, 458 U.S. 886 (1982).

^۶ See *Claiborne Hardware*, 458 U.S. at 914.

Greendorfer, 2018, p. 59; Cohen, 1986, p. 1273; Harper, 1984, p. 409; (Orloff, 1983, p. 1076).

در واقع «با وجود حق دولت‌ها برای تنظیم فعالیت‌های اقتصادی، جرم‌انگاری بایکوت‌های غیرخسونت-آمیز و با انگیزه سیاسی که برای تحمیل تغییرات دولتی و اقتصادی طراحی شده توجیه‌پذیر نخواهد بود»^۱. در واقع، مطالعه رویه قضایی نشان می‌دهد که اگر تحدید حق بایکوت، در خدمت منافع اساسی بوده و با سرکوب آزادی تشکّل بی‌ارتباط باشد، دادگاه هرگز مانع تحدید دولتی این آزادی‌ها نشده است.^۲

در پرونده دیگری، یکی از اعضای کلیسای منونیت ایالات متحده به دلیل شرکت در بایکوت محصولات رژیم صهیونیستی تحت پیگرد قرار گرفت. این فرد بایکوت خود را بخشی از حرکت کلیسای منونیت برای اعتراض به اشغال کرانه باختری و نوار غزه توسط رژیم صهیونیستی اعلام کرد. در واقع، کلیسا با توصیف بایکوت خود به عنوان «راه سوم» در مورد رژیم صهیونیستی و فلسطین^۳، تصمیم گرفت در «بایکوت‌های اقتصادی و واگذاری شرکت‌هایی که از اشغال کرانه باختری و غزه حمایت می‌کنند» شرکت کند.^۴ در نهایت، دادگاه منطقه‌ای ایالات متحده، قانون کانزاس را که به افراد و شرکت‌ها اجبار می‌کرد از بایکوت رژیم صهیونیستی خودداری کنند، ناقض متمم اول قانون اساسی دانست و مقرر کرد که اعتراض‌های سیاسی، از جمله بایکوت‌ها، به‌ویژه در زمینه‌هایی که به نقض حقوق بشر یا سیاست‌های دولت‌های خارجی مربوط می‌شود، بایستی به‌عنوان یک ابزار مشروع و قانونی شناخته شده و تحت حمایت قانون اساسی ایالات متحده قرار گیرند.^۵

¹ 458 U.S. 913 (1982).

² See *Wooley v. Maynard*, 430 U.S. 705 (1977); *West Virginia Bd. of Educ. v. Barnette*, 319 U.S. 624 (1943).

³ Mennonites Choose 'Third Way' on Israel and Palestine (July 6, 2017), MENNONITE CHURCH USA, <https://www.mennoniteusa.org/news/mennonites-choose-third-way-israel-palestine>.

⁴ Seeking Peace in Israel and Palestine: A Resolution for Mennonite Church USA, MENNONITE CHURCH USA, <https://www.mennoniteusa.org/wp-content/uploads/2020/08/IP-Resolution.pdf>.

⁵ *Koontz v. Watson*, No. 16-CV-02337 (D. Kan. Dec. 6, 2018).

در پرونده دیگری، آرکانزاس تایمز، به دلیل انتشار تبلیغاتی که به طور غیرمستقیم با جنبش‌های بایکوت علیه رژیم صهیونیستی مرتبط بود، مشمول قوانین ضد بایکوت ایالت آرکانزاس قرار گرفت. در این پرونده، دادگاه ایالات متحده حکم داد که این قانون خلاف اصول آزادی بیان و متمم اول قانون اساسی ایالات متحده است. دادگاه تأکید کرد که ایالت آرکانزاس حق ندارد به مؤسسات و شرکت‌ها دستور دهد که چه چیزی را در تبلیغات خود پذیرفته و یا رد کنند.^۱

نتیجه‌گیری

در مقام نتیجه‌گیری و راستای بررسی فرضیات این نوشتار، می‌توان روایی نظری حق بر بایکوت حتی نسبت به رژیم صهیونیستی را مبتنی بر مبانی متعددی دانست که برخی از آنها اقتصادی از جمله نظریه اقتصادی رفاه خرد یا تجارت آزاد ایده‌هاست، و برخی دیگر، وجهه حقوق عمومی نظیر «برابری سیاسی»، «دکترین حمایت از حقوق بشر» و «حق تعیین سرنوشت و خودگردانی» دارند. همچنانکه ابراز اختیار اخلاقی شهروندان نیز در گرو شناسایی این حق برای مصرف‌کنندگان خواهد بود. از دیگر دلایل اثبات فرضیه این نوشتار در حوزه روایی نظری «حق بر بایکوت» آن است که در آیین اسناد بین‌المللی، موادی مانند ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۲۱ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پشتیبان این حق به شمار می‌آیند. در واقع، بایکوت، به عنوان یکی از اشکال تجمع مسالمت‌آمیز و همبستگی عمومی علیه نقض حقوق بشر، مستقیماً تحت پوشش این مواد قرار می‌گیرد. حق بایکوت همچنین در اسناد و قطعنامه‌های بین‌المللی دیگر به طور مستقیم یا غیرمستقیم به رسمیت شناخته شده است؛ همانند قطعنامه‌های ۳۰۳۴ و ۳۲۴۶ مجمع عمومی سازمان ملل، قطعنامه ۱۷۶۱ مجمع عمومی سازمان ملل

¹ See, e.g., *Arkansas Times LP v. Waldrip*, 988 F.3d 453, 461 (8th Cir. 2021), rev'd en banc, No. 19-1378, 2022 WL 2231807 (8th Cir. June 22, 2022)

البته افزون بر حمایت‌های قضایی آمریکا از حق بایکوت، براساس ماده ۶ قانون اساسی ایالات متحده آمریکا (دکترین پیش‌دستی در امور خارجی: A foreign affairs preemption doctrine)، مسائل مربوط به سیاست خارجی به طور خاص منحصرراً برای دولت فدرال محفوظ است (United States v. Curtiss-Wright Export Corp., 299 U.S. 304, 319 (1936)) و ایالت‌ها نایستی اجازه داشته باشند قوانینی را به منظور تثبیت سیاست خارجی خود تصویب کنند (Zschernig v. Miller, 389 U.S. 441 (1968))

(۱۹۶۲)، قطعنامه ۲۸۲۱ مجمع عمومی سازمان ملل سال ۱۹۷۱. همچنین این حق، براساس منشور حقوق اساسی اتحادیه اروپا و نیز ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، حقی محافظت شده است.

اما ناظر به فرضیه دوم نوشتار، می‌توان چالشهای متعددی در رویه آمریکا و اتحادیه اروپا نسبت به حق بر بایکوت اسرائیل یافت. در حالی که به نظر می‌رسد متمم اول قانون اساسی آمریکا و نیز قوانین اتحادیه اروپا، دربرگیرنده حمایت از بایکوت هستند، ولی قوانین ایالتی در آمریکا و نیز برخی قوانین کشورهای عضو اتحادیه اروپا، این حمایت را ممنوع نموده‌اند. به عنوان مثال، قوانین ضد حق بایکوت، حداقل در ۳۵ ایالت آمریکا تصویب شده که اغلب ادعا می‌کنند، هدف از آن، منع بایکوت‌های تبعیض‌آمیزی است که نشانگر تبعیض مذهبی یا ملی است. شاکله کلی این قوانین، یا تمرکز بر منع «قرارداد» با نهادهای خصوصی شرکت کننده در پوشش‌های بایکوت بوده و یا به صورت منع از «سرمایه‌گذاری» در شرکت‌هایی است که در بایکوت علیه رژیم صهیونیستی شرکت داشته‌اند. همچنین برخی از این قوانین صرفاً بایکوت علیه رژیم صهیونیستی را موضوع قرار داده؛ اما حداقل هفده ایالت، بایکوت علیه رژیم صهیونیستی و نیز شهرک‌های رژیم صهیونیستی در کرانه باختری را نیز هدف قرار داده‌اند.

در سطح رویه قضایی آمریکا و اتحادیه اروپا نیز این حمایت‌ها به همین شکل ممنوع و یا محدود به برخی شرایط اعلام شده و در مواردی نیز ماهیتاً ذیل «نفرت» و «تبعیض» تحلیل شده است. در مجموع، می‌توان با بررسی پرونده‌های قضایی مختلف نسبت به قوانین بایکوت آمریکا، گفت که متمم اول از تحریم کنندگان حمایت می‌کند ولی در استدلال خود اختلاف نظر دارند. در برخی از این پرونده‌ها، چنین قوانینی به دلیل نقض آزادی بیان به چالش کشیده شده و حتی در صورت وجود آثار اقتصادی بایکوت، از آنها حمایت به عمل آمده لکن در برخی دیگر از پرونده‌ها، دادگاه‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که بایکوت‌ها به دلیل امتناع از معامله اقتصادی، به عنوان «گفتار محض» محسوب نمی‌شوند و بنابراین تحت حمایت متمم اول قرار نمی‌گیرند. در نظام حقوقی اتحادیه اروپا نیز با وجود آنکه چنین حقی در سطح منشور و

اسناد بالادستی اتحادیه مورد حمایت قرار گرفته است، اما در سطح کشورهای عضو، تفاوت در رویه مشهود است؛ به عنوان مثال، دادگاه‌های فرانسه حق بایکوت را از قبیل تحریک به نفرت قلمداد نموده و محدوده مشروعیت حق بایکوت علیه رژیم صهیونیستی را به شدت محدود نموده‌اند. با این وجود رویه‌های متفاوت در آمریکا و اروپا نشان می‌دهد که بحثها درباره قدرت دولت برای سرکوب بایکوت ادامه خواهد داشت و چشم‌انداز حقوقی پیرامون قوانین ضد بایکوت با ظهور دعاوی بیشتر در مورد نقض قانون اساسی در این موارد کامل‌تر خواهد شد. اما اکنون می‌توان در کنار حمایت خاص دیوان اروپایی حقوق بشر از حق بایکوت، طیف حمایت‌ها در آمریکا از این حق را از قبیل «اقتصادی‌انگاری صرف حق بایکوت» دانست که براساس آن، زمینه برای دخالت دولت در راستای تنظیم‌گیری فراهم دانسته شده است. از همین‌روست که با ذکر برخی ضوابط و پیش‌شرط‌ها نظیر «مسالمت‌آمیز بودن بایکوت» و «حصر حق نسبت به مصرف‌کنندگان و توجه به رفتارهای هدف بایکوت و اجتناب از رفتارهای غیرقانونی برای آن»، زمینه را برای قضاوت دولت و چه بسا نظارت پیشینی و کنترلی دولت آمریکا بسترسازی شده است. اما در مجموع به نظر می‌رسد فراتر از چالشهای سایه‌افکننده بر حق بایکوت در آمریکا و برخی کشورهای اروپایی، ملاحظات سیاسی یا به عبارتی جنگ سیاست و حقوق باشد؛ امری که رژیم صهیونیستی آن را در قالب مساعدت دائمی آمریکا و برخی کشورهای اروپایی بدان امید دارد.

References

Books

1. Barghouti, O. (2011). BDS: Boycott, divestment, sanctions: The global struggle for Palestinian rights. Haymarket Books.

16. Yunus, M. A., Abd Wahid, N., & Hassan, W. S. (2014). The Rule of Boycotting on Israeli product based on Fiqh Al-Jihad. *Jurnal Pengurusan Dan Penyelidikan Fatwa*, 4, pp. 135-160.
17. Paskowitz, Laurence (1982) "Constitutional Rights of Noncommercial Boycotters: A Delicate Balance,". *Hofstra Law Review*: Vol. 10: Iss. 3, Article 5, pp.773-802.

Judicial cases

1. *Am. Fed'n of Lab. V. Swing*, 312 U.S. 321, 324–26 (1941).
2. *Amawi v. Pflugerville Indep. Sch. Dist.*, 373 F. Supp. 3d 717, 757–78 (W.D. Tex. 2019), vacated as moot, *Amawi v. Paxton*, 956 F.3d 816 (5th Cir. 2020)
3. *Arkansas Times LP v. Waldrip*, 988 F.3d 453, 461 (8th Cir. 2021), rev'd en banc, No. 19-1378. 2022 WL 2231807 (8th Cir. June 22, 2022)
4. *Associated Press v. United States*, 326 U.S. 1, 20 (1945).
5. *Baker, Commercial Speech: A Problem in the Theory of Freedom*, 62 IOWA L. REV. 1 (1976)
6. *Bates v. State Bar*, 433 U.S. 350, 383 (1977)
7. *Bavarian Administrative Court*. (2020). *Ried v. Munich*. <https://www.bverwg.de>
8. *Bd. of Comm'rs, Wabaunsee Cty. v. Umbehr*, 518 U.S. 668 (1996)
9. *O'Hare Truck Serv. v. City of Northlake*, 518 U.S. 712 (1996).
9. *Brandenburg v. Ohio*, 394 U.S. 444 (1969).
10. *Brown v. Socialist Workers '74 Campaign Comm.*, 459 U.S. 87, 100 (1982).
11. *Buckley v. Valeo*, 424 U.S. 1 (1976)
12. *Carey v. Brown*, 447 U.S. 455, 467 (1980)
13. *Central Hudson Gas & Elec. Corp. v. Public Serv. Comm'n*, 447 U.S. 557 (1980)
14. *Citizens United v. Fed. Election Comm'n*, 558 U.S. 310, 336–40 (2010).
15. *Claiborne Hardware* 102 S. Ct. at 3426
16. *Compare CBS v. FCC*, 453 U.S. 367 (1981)
17. *Consolidated Edison Co. v. Public Serv. Comm'n*, 447 U.S. 530 (1980)

18. Court of Justice of the European Union Press Release No. 140/19. e (Nov. 12, 2019)
19. Doe v. Reed, 130 S. Ct. 2811, 2837 (2010)
20. Eastern Railroad Presidents Conference v. Noerr Motor Freight, Inc., 365 U.S. 127 (1961).
21. Elrod v. Burns, 427 U.S. 347 (1976)
22. European Court of Human Rights. (2020). Baldassi & Others v. France. <https://www.echr.coe.int>
23. First Nat'l Bank v. Bellotti, 435 U.S. 765 (1978)
24. Gerald E. Frug, The City as a Legal Concept, 93 HARV. L. REV. 1059, 1068 (1980)
25. Gertz v. Robert Welch, Inc., 418 U.S. 323 (1974)
26. Hustler Mag., Inc. v. Falwell, 485 U.S. 46, 52, 56 (1988)
27. Hutchinson v. Proxmire, 443 U.S. 111 (1979)
28. International Ass'n of Machinists v. Street, 367 U.S. 740 (1961)
29. Janus v. American Federation of State, County, and Municipal Employees, 138 S. Ct. 2448, 2486 (2018).
30. Jordahl v. Brnovich, 336 F. Supp. 3d 1016, 1039-49 (D. Ariz. 2018), vacated and remanded, 789 Fed. Appx. 589 (9th Cir. 2020).
31. Koontz v. Watson, No. 16-CV-02337 (D. Kan. Dec. 6, 2018). United States v. Curtiss-Wright Export Corp., 299 U.S. 304, 319 (1936)
32. Machesky v. Bizzell, 414 F.2d 283, 285 (5th Cir. 1969).
33. Martin v. Wrigley, 540 F. Supp. 3d 1220, 1227-31 (N.D. Ga. 2021).
34. McConnell v. Fed. Election Comm'n, 540 U.S. 93, 94 (2003), overruled by Citizens United v. Fed. Election Comm'n, 558 U.S. 310 (2010).
35. Miami Herald Publishing Co. v. Tornillo, 418 U.S. 241 (1974)
36. Milk Wagon Drivers Union of Chi., Loc. 753 v. Meadowmoor Dairies, 312 U.S. 287, 294-95 (1941).
37. Mills v. Alabama, 384 U.S. 214 (1966); Friedman v. Rogers, 440 U.S. 1, 9 (1979)
38. Missouri v. NOW, 620 F.2d 1301, 1317 (8th Cir.)
39. NAACP v. Claiborne Hardware Company, 458 U.S. 886 (1982).
40. New Negro Alliance v. Sanitary Grocery Co., 303 U.S. 552 (1938).
41. New York Times Co. v. Sullivan, 376 U.S. 254 (1964)

42. Ohralik v. Ohio State Bar Ass'n, 436 U.S. 447 (1978)
43. Oldenburg Administrative Court. (2016). Glanz v. Oldenburg.
44. Oscar Renda Contracting, Inc. v. City of Lubbock, 463 F.3d 382 (2006).
45. Pickering v. Bd. of Educ., 391 U.S. 563 (1968)
46. Protectmarriage.com v. Bowen, 599 F. Supp. 2d 1197, 1198 (E.D. Cal. 2009)
47. Red Lion Broad. Co. v. FCC, 395 U.S. 367, 390 (1969)
48. Schneider v. New Jersey, 308 U.S. 147 (1939)).
49. Spence v. Washington, 418 U.S. 405 (1974).
50. Supreme Court of Spain. (2022). Spanish Supreme Court ruling on BDS.
51. Texas v. Johnson, 491 U.S. 397 (1989)
52. Thornhill v. Alabama 310 U.S. 88 (1940).
53. Time, Inc. v. Firestone, 424 U.S. 448 (1976)
54. Turner Broad. Sys., Inc. v. FCC, 507 U.S. 1301, 1304 (1993)
55. United States v. O'Brien, 391 U.S. 367 (1968)
56. United Steelworkers v. Weber, 443 U.S. 193, 208 (1979)
57. Virginia Bd. of Pharmacy v. Virginia Citizens Consumer Council, 425 U.S. 748, 771 (1976).
58. Waldrip, 362 F. Supp. 3d at 624–26.
59. West Virginia Bd. of Educ. v. Barnette, 319 U.S. 624 (1943).
60. Whitney v. California, 274 U.S. 357, 374 (1927)
61. Wis. Right to Life, Inc. v. Fed. Election Comm'n, 546 U.S. 410 (2006)
62. Wolston v. Readers Digest Ass'n, Inc., 443 U.S. 157 (1979)
63. Wooley v. Maynard, 430 U.S. 705 (1977)
64. Zschernig v. Miller, 389 U.S. 441 (1968)

Other Documents

1. Alaska. (2024). Administrative Order by Governor Mike Dunleavy.
2. Amnesty International. (2019). Zionist Regime and occupied Palestinian territories: 2019 report.
3. Arizona. (2016). HB 2617. See, Also: Arizona. (2019). SB 1167.

4. Arkansas. (2017). Act 710. See Ark. Code Ann. § 25-1-503(a)(1)-(2).
5. Austrian National Council. (2020). Resolution condemning all forms of anti-Semitism including Zionist Regime -related anti-Semitism. <https://www.parlament.gv.at>
6. Bundestag. (2019). Resolution condemning the BDS movement. <https://www.bundestag.de>
7. California SB 1147. (2016). California's anti-BDS legislation.
8. Chamber of Deputies of the Czech Republic. (2019). Resolution condemning BDS activities and statements. <https://www.psp.cz>
9. CRS Report RL33961, Arab League Boycott of Zionist Regime
10. Cuomo, A. (2016). Executive Order No. 157: State action against organizations that boycott Zionist Regime.
11. Declaration of Sarah E. Troupis in Support of Plaintiffs' Motion for Preliminary Injunction at Ex. BC, Protectmarriage.com v. Bowen, 830 F. Supp. 2d 914 (E.D. Cal. 2011) (No. 2:09-CV-00058), ECF No. 19.
12. E.U. Charter of Fundamental Rights art. 11-12, Dec. 18, 2000, 2000 O.J. (C 364) 01.
13. European Convention on Human Rights (Protocol No. 15) art. 10, CETS 231 (2013).
14. European Legal Support Center Legal Memo for the case: City Council of Cadiz (ESP) and the Association for Human Rights in Andalusia vs. the Legal Committee for the Fight Against Discrimination.
15. Florida SB 86. (2016). Florida's anti-BDS legislation
16. Frankfurt City Council. (2017). Frankfurt City Council Resolution.
17. Georgia. (2016). SB 327
18. Human Rights Watch. (2021). A threshold crossed: Israeli authorities and the crimes of apartheid and persecution.
19. Illinois. (2015). SB 1761
20. Indiana. (2016). HB 1378

21. Iowa. (2016). HF 2331; Nevada. (2017). SB 26.
22. Kentucky. (2018). Executive Order 2018-905.
23. Louisiana. (2018). Executive Order.
24. Markowicz, P. (2017). France's Anti-BDS Laws: A Legal Analysis. CRIF Legal Task Force Report. <https://www.crif.org>
25. Maryland. (2017). Executive Order 01.01.2017.25
26. Michigan. (2017). HB 5821 and HB 5822.
27. Minnesota. (2017). HF 400/SF 247
28. Mississippi. (2019). HB 761
29. Missouri. (2020). SB 739
30. New Jersey. (2016). A 925/S 1923
31. Oklahoma HB 3967. (2020). Oklahoma anti-BDS law.
32. State of North Carolina. (2017). North Carolina anti-BDS law, HB 161.
33. Texas House Bill 89. (2017). Texas state law prohibiting contracts with businesses that boycott Zionist Regime
34. The City Council's 2016 'Israeli Apartheid Free Space' resolution
35. The Export Administration Act, P.L. 96-72, § 8(a)(1) (1979)
36. The Trade Facilitation and Trade Enforcement Act of 2015 (the Customs Act, P.L. 114-125)
37. U.N. Human Rights Council resolution 31/36 (A/HRC/31/L.39), March 22, 2016
38. U.N. Security Council adopted Resolution 2334 (or UNSCR 2334) December 23, 2016,
39. United Nations General Assembly, 1973; United Nations General Assembly, 1974
40. Wisconsin SB 450. (2017). Wisconsin anti-BDS law.